

# مبادا فراموش کنیم!

آنچه به روشنی می توان دید و برآستی مایه خوشوقتی و مباهات است این که در دو سال و نیمه پس از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷، چهره انقلاب مرحله به مرحله مشخص تر گشته، گسترده و ژرفایسی و پویایی آن به برکت حضور انبوه و فعال توده های بقیه در صفحه ۱۱

## اعضاء و هواداران "مجاهدین خلق" باید دست رد به سینه رجوی ها بگذارند

### اعضاء و هواداران "مجاهدین خلق" کدام راه را بر خواهند گزید: راه رجوی یا راه سعادت؟

سقوط ابوالحسن بنی صدر که امید بزرگ امپریالیسم آمریکا، جنبه براندازی و از جمله رهبری ضدانقلابی "مجاهدین خلق" برای بی ثبات کردن و تضعیف جمهوری اسلامی ایران و سرانجام ایجاد جنگ داخلی و منهدم کردن انقلاب ایران بود و با حمایت آگاهانه، فعال و میلیونی توده های زحمتکش از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی و صورت گرفت. بقیه در صفحه ۲

## ملاک تشخیص انقلابی و ضد انقلابی

نماها، بلکه همچنین از افرادی ترکیب یافته بود که نظیر مهندس بازرگان (رئیس دولت موقت) در اعتقادات عبادی اسلامی آنها کمترین تردیدی نبوده و نیست. ولی این تظاهرات عبادی و اعتقادات مذهبی و یا خود اعتقادات صادقانه مذهبی مانع از آن نشده که دولت موقت تعمیق و گسترش انقلاب به سود مستضعفان را "تخریب" کند، از انقلاب اظهار "پشیمانی" کند، کسب استقلال را ناممکن بداند و معتقد باشد که "چون وابسته بودیم ایم بناچار باید وابسته بمانیم"، در جهت "بهبود" روابط با آمریکا - دشمن اصلی انقلاب - گام بردارد، از

خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی "کلافه" شود و خلاصه از "خط برژینسکی" پیروی کند و برای تحقق آن بکوشد. این تجربه روشن نشان داد که میتوان با تظاهرات اعتقادات مذهبی و حتی با اعتقادات صادقانه مذهبی، در خط مخالفت با تعمیق انقلاب به سود مستضعفان قرار گرفت. انقلاب همچنین تجربه "حزب خلق مسلمان" را از سرگذراند که رهبری عملی و واقعی آن را یکی از روحانیون عالمقام برعهده داشت. این "حزب" که بلوای خونین ضد انقلابی در تبریز راه بقیه در صفحه ۲

## در دیدار مشترک کمونیست های آلمان غربی و عراق جنگ تجاوزه کارانه صدام حسین علیه ایران بشدت محکوم شد

چند روز پیش دیداری میان نمایندگان حزب کمونیست آلمان و حزب کمونیست عراق در جمهوری فدرال آلمان، صورت گرفت ریاست هیئت های نمایندگی کمونیست های آلمان غربی و عراق را برترتیب هرمان گوتیه، معاون صدر حزب کمونیست آلمان، و پروفسور دکتر قادم حبیب عضو کمیته مرکزی "حزب کمونیست عراق" بعهده داشتند.

در پایان این دیدار، اعلامیه مشترکی انتشار یافت، که در آن، از جمله، به جنگ تحمیلی داروستانه صدام حسین علیه ایران اشاره شده است. در این زمینه می خوانیم: دوهیئت نمایندگی جنگ تجاوزه کارانه عراق را علیه ایران، که به خلق های هر دو کشور لطامت فراوان وارد می آورد، محکوم می کنند، این جنگ به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع در خاور نزدیک است و به امپریالیسم فرصت داده است تا برای پیشبرد منافع خویش حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس تقویت بخشد.

اعلامیه مشترک دو حزب می افزاید: "هیئت نمایندگی حزب کمونیست عراق اعلام داشت که این جنگ در راه پایان بخشیدن به جنگ مبارزه می کند، جنگی، که تا کنون هزاران قربانی در پی داشته و به اقتصاد ملی دو کشور صدمات فراوان وارد آورده است." کمونیست های عراقی و آلمانی غربی "خواستار فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران" شدند و معتقدند که "مسائل میان دو کشور باید از راه مسالمت آمیز حل گردد." درباره مسائل داخلی عراق، نمایندگان حزب کمونیست این کشور اعلام داشتند: "در عراق رژیم دیکتاتوری بعثی صدام حسین فرمانروایی می کند، این رژیم با روش های فاشیستی به سرکوب نیروهای ملی-میهنی، از جمله حزب کمونیست عراق، می پردازد و علیه خلق کرد به جنگی غیر عادلانه دست زده است. حزب کمونیست عراق، - که نمایندگان آن در باره فعالیت موقفیت آمیز برای پایه گذاری یک "جنبه ملی" گزارش دادند، - همراه با دیگر نیروهای دمکراتیک، در بسیج خلق برای مبارزه در راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری، ایجاد نظامی ملی - دمکراتیک و اعطای خودگردانی راستین به خلق کرد شرکت می کند." در پایان اعلامیه مشترک "حزب کمونیست عراق" و "حزب کمونیست آلمان" گفته می شود: "حزب کمونیست آلمان بیکسر در کمونیستها و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی را در عراق بشدت محکوم میکند و به کمک خلق عراق در پیکار عادلانه اش برخواهد خواست."

## جهاد سازندگی ره آورد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران

می توان از شرکت جهاد سازندگی در دفاع از جمهوری اسلامی ایران در مقابل متجاوزان صدامی نام برد. لذا مردمی بر مجموعه فعالیت های این نهاد انقلابی و نشان دادن بعداد اقدامات مردمی این نهاد همواره ضرور است. در زیر نحوه تشکیل این نهاد و نیز مجموعه اقدامات آن آمده است. نکته ای که ذکر آن جهت مزید اطلاع خوانندگان ضرور است، اینست که آمار ذکر شده از فعالیت های جهاد سازندگی تا لحظه حاضر نیست، و علت آن نیز تنها عدم انتشار آمار جدید است. بقیه در صفحه ۱۰

## رئیس "سیا" هم جنایتکار است هم دزد!

بقیه در صفحه ۳

## کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۶)

## بنی صدر، زمینه ساز کودتا، با استفاده از حربه کودتاگران ۲۸ مرداد: "خطر کمونیسم"!

بین این دو کودتا، که یکی خلق را به خون کشید و دیگری به نیروی خلق به زباله دان تاریخ افکنده شد، شباهت ها و نزدیکی ها فراوان است. و مهمترین این شباهت، زمینه سازی یکسان برای انجام کودتای آمریکایی است. این زمینه سازی در هر دو کودتا بر بزرگ کردن دشمن خیالی، برای انحراف نظر خلق و وارد کردن ضربه در لحظه لازم استوار بوده است. نگاهی به رویدادهای چند ماهه قبل از کودتای "جنبه متحد ضد انقلاب" بر رهبری

در روزهایی که مردم ایران سخن از شکست کودتای جنبه متحد ضد انقلاب، بر رهبری بنی صدر - رجوی علیه انقلاب ایران می گویند بیست و هشتمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از راه می رسد. اگر بنی صدر، رجوی بر اثر هشیاری توده ها و رهبری قاطع امام خمینی شکست خورده بودند، سالگرد کودتای ننگین آمریکایی بازم با صدای پای آمریکا در میهن ما همراهم بود، که این بار جاده صاف کن آن لیبرال ها و چپ روها بودند.

بنی صدر - رجوی، یعنی از دستگیری قطب زاده - ۱۸ آبان ۱۳۵۹ - که توطئه از تجاوزه کارانه در آن روزها با حوادث قبل از کودتای ۲۸ مرداد، به راستی تکان دهنده و عبرت آموز است. در هر دو این مراحل امپریالیسم آمریکا، متحدان و عمال و تقالیه هایش با تمام نیرو به بزرگ کردن "خطر شوری" و "خطر حزب توده" مشغول بودند، تا توجه خلق را به دشمن خیالی جلب و در سایه این انحراف نظر نقشه خائنه خود را پیاده کنند. بقیه در صفحه ۷ و ۶

## نخستین گام نوید بخش برای بازگشایی دانشگاهها

امکان پذیر می شود. این دگرگونی باید بتدریج پیاده شود، وظیفه این بود و وظیفه این هست که تمام راه بندها و موانع استعماری را از پیش پای سیستم آموزش عالی برداریم و روح تبعیض طبقاتی، مدرک گرایی، پول پرستی، جاه طلبی و خود محور بینی را، که بر سیستم آموزش عالی سلطه داشت، به روحیه انسان دوستی، عصیان در برابر برستم و زورگویی، دشمنی با امپریالیسم و ایمان به برابری انسانها بدل سازیم.

اما آیا لازم است که حتما و قطعا تمام دانشگاهها، از دانشجو استاد و کارمند خالی کنیم، و بعد برای دگرگونی های لازم برنامه ریزی نمائیم؟ یا نمی شد پیاده کردن انقلاب فرهنگی در سیستم دانشگاهها را، با نظر و مشارکت خود دانشجویان و استادان انقلابی انجام داد؟ نمی شد صد ها هزار دیپلمه بیکار و صد ها کارآموز بی مهارت بی جهت سرگردان ساخت و با راضی ترانسید؟

تعطیل اعلام شدند. انگیزه آن بود که با بدست نخست انقلاب فرهنگی، سیستم آموزش عالی را در تمام ابعاد آن دگرگون سازد و سپس دانشگاهها بر اساس ضوابط جدید بزرگترین دانشجو، برنامه های جدید آموزشی کتابهای جدید درسی و غیره و غیره گشایش یابند.

انقلاب فرهنگی بی تردید از اجزاء جدائی ناپذیر هر انقلاب اجتماعی است و کشور ما که سالها زیر سلطه پیداوناپیدای امپریالیسم بوده است، قطعا نیاز بدان دارد که مظاهر تهاشی آور فرهنگ استعماری را از سر پای بپیکر خود برود، اما... و این امای مهمی است که، انقلاب فرهنگی با تعطیل دانشگاهها ملازمه چندانی ندارد.

دگرگونی در سیستم آموزش عالی، که بخشی از برنامه انقلاب فرهنگی است، می تواند در شرایط فعالیت خلق دانشگاهها نیز صورت پذیرد. انقلاب فرهنگی، که دگر سازی حیات معنوی جامعه است، نه کاریکروز و دو روز است و نه با زور

وزارت فرهنگ و آموزش عالی ضمن بخشنامه ای از کلیه دانشگاهها خواسته است که سالهای آخرو رسته یزشکی از آغاز سال تحصیلی شروع بکار کنند. پیش از این نیز اطلاع داده شده بود که دانشکده های فنی و کشاورزی در مهر ماه گشایش خواهند یافت.

بعد از توصیه امام خمینی در دیدار با اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی که: "همه نیروی خود را برای بازگشایی دانشگاهها تجهیز کنید." و تاکید آیت اله منتظری بر اینکه: "اگر تعطیل دانشگاهها طول بکشد و معلم و دانشجو در دانشگاهها نمانند، فاجعه است برای کشور"

این نخستین گام کوتاه برای بازگشایی دانشگاههاست، که باید امید داشت با گامهای بلند دیگری تکمیل شود. سال گذشته در خرداد ماه دانشگاههای کشور



# اتحاد مردم

## اعضای و هواداران . . .

بقیه از صفحه ۱

خشم و کین با امداد و دیوانه‌واری رادر میان جنبه براندازی برانگیخت، که عکس العمل مستقیم و بلاواسطه آن، موجی از ترور و بمب گذاری بود که تا کنون گروهی از مسئولان و مردم انقلابی و فدائوکار و بیگانه راه کام خود کشیده است. اینکه این اعمال - همانگونه که طبیعت آن است - جز رسوایی و تاهی برای جنبه براندازی و ترور رستههای آن بار نیارود و جز بر عزم و استواری نوده های میلیونی مردم در حمایت از خط امام خمینی و سازره با امیرالایسم آمریکا و نغاله های آن سرود، واقعی است انکارناپذیر است. اما آنچه در اینجا مورد نظر ماست، سرنوشت تووم و محتومی است که تحولات انقلابی اخیر برای رهبری خائن و خط مشی ضد - انقلابی حاکم بر " سازمان مجاهدین خلق " به بار آورد.

خاص این تحولات، دو واقعه مهم بود که یکبار دیگر نشان داد که " مجاهدین خلق " مرکب از بوده " هوادار و اعضا و رهبری، به هیچ وجه یک جریان مسخ و یکپارچه را تشکیل نمیدهند این دو واقعه، یکی گریز مسعود رجوسی رهبر " مجاهدین خلق " به آغوش صدام عراق و دیگری مرگ سزاوار و شجاعانه محمد رضا سعادت اراغی - " مجاهدین خلق " و استار و صیانت صادقانه او بود.

این دو واقعه در واقع بنا بر نتیجه پاشی تحول و حل آن تصادفی است که در وجود و عملکرد " سازمان مجاهدین خلق " صورت دعوی بر ترور در عشق به خلق و مبارزه برای استقلال و آزادی در حرف و خدمت به موطئه های امپریالیستی و هم - دستی با ایادی امپریالیسم، علیه انقلاب ایران و دساوردهای مبارزه خویش و حمله آبرو خلی در عمل، منجلی میسند.

سعادت در واقع مظهر و نماینده آن بوده عضو و هوادار " مجاهدین خلق " است که این دعوی را صادر و فاعل پذیرفته است. ولی گام به گام از تضاد عمیق و آشکار مابین " آرمانهای والا " و " آرزوهای پست و کج " خود و عملکرد واقعی " رهبری مجاهدین خلق "، بیکه خورد هاست.

نسبت به آن اقطاع نشده اند، " احساس خطر کرده اند "، " بارها و بارها گریسته اند " و سر - انجام به این واقعیت دست یافته اند که " ما در دامی که امپریالیست ها برایمان چیده بودند، گرفتار شدیم. " (از وصیت نامه سعادت)

امارجوی، مظهر و نماینده آن گروه از عناصر مشکوک و آن دسته از روشنفکران آتارشیست و تروریست است که آرمان های انسانی و مردمی، آزادیخواهانه و استقلال طلبانه را در حاشه ملی ها و قدرت طلبی های خویش سو رانیده اند و خشمناک از عدم تحقق سیاست خویش، به بیست ترین واکنش های پهنی و صداسازی روی آورده اند و به آغوش سیاه ترس و سیروهای ضد خلق خزیده اند.

" رهبری مجاهدین خلق "، ابتدا با پرچم اسلام انقلابی و با پر شورترین ستایش ها از استقلال و آزادی و خلق، با میراث خویش از مبارزات فداکارانه، گروهی مسلمان انقلابی، که به حاشی به حساب این رهبری گذاشته شد، یا به میدان سپاه و به سرعت گروه بزرگی را خوانان یک سپاه و پر شور را بیرون خود گرد آورد. اما این رهبری، که در واقع نه آرمان های ادعائی، بلکه تنها به بیات قدرت طلبانه و مشکوک خویش پایسد بود، گام بگام " سازمان مجاهدین خلق " را به مقابله با حاکمیت انقلابی و نوده های میلیونی پختنیان آن کشاید و در تحریکات ضد انقلابی و موطئه های امپریالیستی شریک ساخت. هر چه دورهای دستپاچی به قدرت و سافظ کردن حاکمیت کونی، تاریکتر و تمهیدات این رهبری بی اثر تر و بی نتیجه تر و خشم خلق نسبت به این مدعیان دروغین دفاع از خلق فروتر میگشت " رهبری مجاهدین خلق " نیز با خشم و کین و شتاب فروزتری به جنبه براندازی بسر کردگی آمریکا و ایادی داخلی آن، نزدیک میگشت و میان آن عناصر آشکارا ضد انقلابی، چون فاطمه ها، زنجیری ها و پیکاری ها، قطب زاده - هانی صدری ها پیوند و همکاری بیشتری برقرار می گشت.

سقوط بنی صدر با شکست و رسوائی رهبری ضد انقلابی " مجاهدین خلق " و مشتکی تروریست بیرو آن نیز همراه بود و این رهبری راه پایان خطر رساید، آنهمه فدای انقلابیگری و مبارزه خاطر خلق، سرانجام واقعیت خود را در بارش و در آغوش ضد انقلاب فراری و نیز در کشتار

حیاتیکارانه و فحیح خیابانی نشان داد، در آن - سو، مسعود رجوی به عنوان مظهر و نماینده " خط مشی " استفاده از امپریالیسم برای " خدمت " به خلق (!) سرانجام در رکاب بنی صدر رهبر خط آمریکا در ایران و با کمک خلبان مخصوص شاه مقهور، سرهنگ مغزی (که رجوی او را در مصاحبه با بی. بی. سی، " برادر مجاهد " خواند)، به پاریس وارد شد و در کنار بختیار و اویسی و تحت حمایت نیروهای امپریالیستی، بسر کردگی آمریکا، ادامه " مبارزه " را نوید داد و با تلاش دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی چون " بی. بی. سی. "، " صدای آمریکا " و " رادیو اسرائیل "، تصمیم خویش را برای متحد کردن کلیه نیرو - های صدر رژیم جمهوری اسلامی ایران به جهانیان اعلام کرد. " جنبه متحد پاریس "، یعنی جنبه " متحد صد انقلاب "، همان چیزی است که " رهبری مجاهدین خلق "، مدتها از اعلام ترکیب واقعی آن طفره میرفت.

در اینسو نیز گروهی تروریست، که مابوس از فریفتن خلق و خشمناک از شکست، رسوائی و سقوط، به جنون دچار شده اند، کین و نفرت خود را بر سر خلق فرو می بارند و با بمب گذاری در مناطق تردد زحمتکشان، کشتار پاسدارانی که جان برکف در مقابل تجاوزگران صدامی و ضد - انقلاب کینه توز و تشنه به خون، از انقلاب و مپهن خود، دفاع میکنند و با ترور مسئولان کشور از خلق انتقام می گیرند.

میان سعادت، که جانش را فدا کرد تا مرگش " ضربه ای هشدار دهنده " به گمراهان و فریب خوردگان باشد و رجوی که وقیحانه در بلندگوهای امپریالیستی به جاننازیهای خلق توهین میکند، دره عمیقی وجود دارد، درهای میان وفاداری به خلق و خیانت بدان، اعضا و هواداران " مجاهدین خلق " به کدام سو می - خواهند بروند؟ به راه سعادتسی، این " قربانی توطئه های امپریالیست ها " یا رجوی، این پادوی خود فروخته آنها؟

برای رجویها و جنایتکارانی که آتش بر خلق گشوده اند، پایان کار فرار رسیده است. اما برای توده هوادار " مجاهدین خلق "، بیروان صدیق حنیف نزادها و بدیع زادگان ها و سعادتسی ها، که با آرزوهای پاک و اعتقاد به آرمانهای والا، بدلیل کم تجربگی و ناآگاهی به دنبال این خط مشی ضد انقلابی کشانیده شده اند

تازه آغاری نواست. مفاکی تیره که آنهارا بدانجا سوق میدادند، اکنون با تمام عمق و دشت خود، در پاریس - در کنار جلا دان و قاتلان خلق، در پیش چشمان آنها گسترده است. اگر آغاز این راه ناشناخته، نوید " آزادی " بود و شعارهایی پر - مهابت و جذاب، اکنون همکاری، همگامی و نزدیکی با سیاهترین نیروهای ضد انقلابی است علیه خلق دهها میلیونی، اعضا و هواداران " مجاهدین خلق " کدام را خواهند گزید؟

سقوط سرنوشت محتوم آنهاست است که کولبار خطاهایشان پرتر و سنگین تر است، اما این سرنوشت حتمی و گریزناپذیر هر خاطی نیست. زمانیکه " اسار " ها نیز در مقابل دولت انقلابی لبنان علم قیام و وطنیان افزاشته و در صد کودتا برآمدند و به ترور دست زدند، میلیونها دهقانی که پیشتر بدانهارا میدادند، به راه آنها رفتند. اعمالی که " رهبری مجاهدین خلق " و

تروریست های جنایتکار پیرو آن، بدان دست می - زند، تمام و کمال با خواست ها و نقشه های امپریالیسم آمریکا منطبق است. تدارک جنگ داخلی، کشتار مسئولان و پاسداران و مردم بی - گناه، ایجابی ثباتی و تشنج و رعب و . . . حتی ذره ای، سرسوزنی با دعوی انقلابی، مپهن - دوستانه و مردمی منطبق نیست. این راه ضد خلق است.

توده هوادار " مجاهدین خلق "، که جزئی از خلق و بالقوه در کنار آن و در مقابل امپریالیسم آمریکا و ایادی آن قرار دارد، باید جای واقعی خویش را در جامعه انقلابی ایران بیابد و متحد با دیگر نیروهای انقلابی و مردمی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برزد. اعضا و هواداران " مجاهدین خلق " لااقل باید به وصیت مجاهدی که عصاره زندگی و تجربه خود را با مرگ شجاعانه و آگاهانه عجب ساخت، تا بلکه مرگش " بتواند لوح وحدت و صلح را در جامعه گسترش دهد، گوش فرادهند:

" برادران من اکنون فکرمی کنم که خط اصلی و صحیح، دفاع و تقویت مواضع ضد امپریالیستی رژیم حاکم است. . . امام خمینی در شرایط کنونی مپهن عزیزمان مظهر خشم توده های محروم ایران و حتی منطقه علیه غارتگری ها و جنایات جهان - خواران است، برادرانم ما چرا این خشم را تقویت نکنیم و چهره خندان امام خمینی را برای خود و توده ها طلب نکنیم. " (از وصیت نامه سعادت)

## ملاک تشخیص . . .

بقیه از صفحه ۱

اهداحت، تنها مشکل از مسلمان نماها بود، بلکه احیای اکثر آنها مسلمانان معنقدی بودند که از " مرجع تقلید خود " پیروی می کردند.

این تجربه نشان داد که نه فقط یک روحانی عالمی مقام می تواند در جنبه مخالف انقلاب قرار گیرد، بلکه همچنین می تواند با استفاده از اعتقادات مذهبی مردمی که او را " مرجع تقلید " می دانند، گروهی از مسلمانان معتقد را بر ضد انقلاب برانگیزد.

سپس تجربه کودتای بوزره را از سر گذارند. طراحان و مجریان این کودتای ضد انقلابی نافرمان، نه فقط افرادی بودند که اعتقاد مذهبی نداشتند و یا فقط نظا هر به داشتن اعتقادات مذهبی می - کردند، بلکه همچنین افرادی بودند با اعتقادات مذهبی - از جمله چنانکه اخیرا آقای شهری دادستان ارتش فاش ساخت - پنج نفر از روحانیون عالمی مقام!

این تجربه نیز نشان داد که نه فقط افرادی که اعتقاد مذهبی ندارند و نه فقط افرادی مسلمان، بلکه حتی مسلمانانی در سطح روحانیون عالمی مقام، می توانند ضد انقلابی باشند.

ما همچنین رازی را فاش نساختم اگر بگویم که اصلاحات ارضی - لغو بزرگ مالکی و فتوایسیم و تقسیم اراضی بین دهقانان زحمتکش - با مقاومت نه فقط بزرگ مالکان و فتوایسیم، بلکه همچنین با مقاومت آن روحانیونی روپرواست که مخالف با تعمیق انقلاب به سود مستضعفانند. این مقاومت - چنانکه می دانیم - علی رغم این واقعیت است که لایحه اصلاحات ارضی از دیدگاه اسلام مورد بررسی و تصویب روحانیون عالمی مقامی نظیر آیت الله شهید بهشتی، آیت الله منتظری و آیت الله

مشکینی قرار گرفته است و لذا کمترین تردیدی در انطباق آن با اسلام نیست، تجربه - بنی صدر نیز به نحو بارزی نشان داد که بیروشنی اسلام عنصری مخالف خط امام می تواند چنان خود را پنهان کند که حتی به مقامی در سطح ریاست جمهوری دست یابد و زبانه های بزرگی به انقلاب بزند. بنی صدر که قبلا در شورای انقلاب، در مجلس خبرگان و در مقام وزیر اقتصاد و دارائی بقدر کافی نشان داده بود که در خط امام، و در خط مبارزه با امپریالیسم برای تأمین استقلال کشور و در خط نوسازی کشور به سود مستضعفان نیست، فقط با نقاب اسلام پناهی و اسلام شناسی توانست خود را انقلابی جا بزند و تا مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران بالا برود.

مجموعه این تجارب بزرگ و نیز انبوهی تجارب کوچکتر باعث شد که در جریان مبارزه و نیروهای انقلابی با نیرو - های ضد انقلابی، اصطلاح " اسلام آمریکا " در برابر اسلام راستین و اسلام خمینی پدید آید. سخنان نغز آمانت نمود که در بین روحانیون، روحانی " بدتر از ساواکی " هم وجود دارد و آمریکا عمال رنگارنگی دارد از جمله " مذهبی " و " نسیز از جمله " معمم "، یعنی ثابت نمود که ملاک انقلابی و یا ضد انقلابی بودن، مسلمان - نمایی و حتی اعتقاد به اسلام و مذهب نیست بلکه اعتقاد به مبارزه ضد امپریالیستی برای تأمین استقلال و مبارزه ضد استکباری برای تأمین حقوق و منافع مستضعفان است.

از سوی دیگر، تجربه دو سال ونیم که از پیروزی انقلاب می گذرد، بنحوی بارز نشان داده است که عنوان " مارکسیست " نیز می تواند پوششی برای نیروهای ضد - انقلابی باشد. " پیکاری " و " زنجیری " و " توفانی " و " رزمندگان " و چندین سازمان ضد انقلابی دیگر نام " مارکسیست " بر خود نهادند، تا با این نقاب بتوانند ماهیت ضد انقلابی خود را بیوشانند و با شعارهای چپ نما بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عمل کنند. ولی روند انقلاب این نقاب را از چهره آنان برگرفت و اصطلاح دقیق " مارکسیست آمریکایی " مصطلح شد. در واقع نیز آمریکا با استفاده از ماؤیسیسم و دست در دست ماؤیسیسم ها،

گروهک های متعددی بنام های گوناگون، که همه خود را " مارکسیست " معرفی می کنند، در همه کشورهای سرمایه داری و همه کشورهای " جهان سوم " بوجود آورده و می آورد تا به وسیله آنها - چوب لای چرخ انقلاب های آزادی بخش گذارد و ضمنا مارکسیسم را نیز بدنام کند. ولی تجربه کشور انقلابی ما این شکرگد - انقلاب را نیز فاش و رسوا ساخت و نشان داد که هر کس تا بلوی " مارکسیسم " بر سر در گروهک خود بکوبد، مارکسیست و انقلابی نیست. ملاک انقلابی بودن دعوی مارکسیست بودن نیست، بلکه مشی علمی در مبارزه علیه امپریالیسم، بسر کردگی آمریکا، و مشی عملی در دفاع از حقوق و منافع زحمتکشان در برابر سرمایه داری و وابسته و بزرگ مالکی است.

خلاصه، تجارب گران و در عین حال پربهای دو سال ونیمی که از پیروزی انقلاب می گذرد، بوضوح نشان داد هاست که اسلام آمریکایی داریم و اسلام راستین خمینی، اسلام ضد انقلابی داریم و اسلام انقلابی و نیز مارکسیسم آمریکایی داریم و مارکسیسم راستین، مارکسیسم ضد انقلابی داریم و مارکسیسم انقلابی.

ملاک تشخیص این که کدام فرد و یا کدام نیرو، مسلمان آمریکایی ضد انقلابی و یا مسلمان راستین انقلابی است و نیز کدام فرد یا نیرو، مارکسیست آمریکایی ضد انقلابی و یا مارکسیست راستین انقلابی است، دشوار نیست، هر کس، هر سازمان، هر نیرو، قطع نظر از اعتقادات مذهبی و یا فلسفی، اگر در عمل بر ضد امپریالیسم، بر ضد سرمایه داری بزرگ وابسته، بر ضد بزرگ مالکی و فتوایسیم، برای تأمین استقلال کشور، برای تأمین آزادی های فردی و اجتماعی و برای تأمین حقوق و منافع زحمتکشان مبارزه کند، انقلابی است، والا یا ضد انقلابی است و یاد در بهترین حالت غیر انقلابی است.

این ملاک تشخیص انقلابی از ضد انقلابی نه فقط در جمهوری اسلامی ایران، بلکه بمقیاس جهانی و در عرصه بین المللی صدق می کند. ملک حسن ها و ملک حسین ها

دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و همه تفاله های آن، در راه این مقصود هیچ رادع و مانعی از شرم و حیامی شناسند. هر اقدامی که گامی در راه تحقق حقوق و منافع زحمتکشان و متحدید میدان عمل سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی صورت گیرد، به زعم این تبلیغات ضد انقلابی، " کمونیستی " است. این تبلیغات ضد انقلابی از خارج و در داخل کشور به هزار زبان یک نفس تکرار می کند که " توده های ما " همه جانفود کرده اند و اداره امور کشور را بدست گرفته اند! کار وقاحت این شانتاز به جایی رسیده که نه فقط مسئولان صاحب مقامی نظیر آقای بهزاد نیوی " توده های " معرفی می شود، بلکه حتی سعی می شود که آقای محمد علی رجائی نیز کمابیش " توده های " معرفی شود!

هدف این تبلیغات روشن است: از یک سو وادار کردن مسئولان به تبری خود از این اتهام از طریق ضدیت با " توده های ما " و همه بیروان راستین سوسیالیسم علمی؛ وادار کردن مسئولان به خودداری از پیشبرد انقلاب در جهت تأمین حقوق و منافع زحمتکشان؛ جلوگیری از اتحاد نیروهای انقلابی و بدین وسیله تضعیف جنبه انقلاب. و از سوی دیگر حفظ این امکان که باز مانند گذشته با نقاب " اسلامی "، بعنوان یگانه ملاک انقلابی، بتوان مهره های دیگری را نظیر امیر انتظام ها، مراغه ای ها، نریمان ها، قطب زاده ها، سلامتیان ها، غضنفر پورها، بنی صدرها (فهرست آنها در ازاست) در مقامات مسئول جانداخت و پانگاهداشت.

ملاک تشخیص انقلابی از ضد انقلابی، نه مسلمان نمایی و نه مارکسیست نمایی است. ملاک تشخیص انقلابی از ضد انقلابی مشی عملی هر فرد، هر سازمان، هر نیرویی است که در مبارزه با پیگیر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان و نغاله هایش، در مبارزه با پیگیر برای تأمین و تضمین آزادیهای فردی و اجتماعی و برای تأمین و تحقق حقوق و منافع زحمتکشان بر ضد غارتگران - سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی است. این ملاک را تجربه انقلاب بدست داده است. باید آنرا شناخت و مبرمبانی آن عمل کرد.

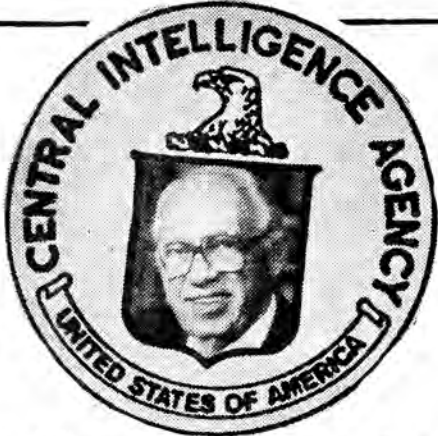
ملک خالدها و سلطان قابوس ها و انور سادات ها و ژنرال ضیا الحق ها و جعفر نمیری ها و صدام ها و . . . مسلمانند، ولی مسلمان آمریکایی، یعنی مسلمان متحدیادست نشاننده آمریکا، در هر صورت، در خط آمریکا و بنا بر این ضد - انقلابی، در عوض قذافی ها و حافظ اسد - ها و عرفات ها و . . . مسلمان راستین، مسلمان رزمنده ضد امپریالیستی و بنا بر - این مسلمان انقلابی اند. و نیز مارکسیست های آمریکا بی و ماؤیسیست ها همه جا ضد انقلابی اند، و برعکس آن، احزاب و سازمانهای مارکسیستی که در کار مبارزه بر ضد امپریالیسم، بسر کردگی آمریکا هستند انقلابی، بی جهت نیست که همه احزاب و سازمانهای اصیل مارکسیستی جهان، چه آنها که حکومت در اختیار دارند و چه آنها که ندارند و نیز همه سازمانها و دولت های مسلمان ضد امپریالیستی، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده و می کنند و بر عکس، سازمان های مارکسیست آمریکایی و ماؤیسیستی و همه سازمان های دولتی و استیاری آمریکا با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مخالفت کرده و می کنند.

چنین است تجربه دو سال ونیم انقلاب، که اگر برخی تعصبات عقیدتی در بخشی از نیروهای مذهبی صدیق انقلابی و یا برخی پیشداوری های ناشی از رسوبات تبلیغات دراز مدت ضد مارکسیستی دستگاه تبلیغات امپریالیستی نبود، برای همه نیروهای انقلابی قابل رویت و قابل استفاده می بود.

ولی متأسفانه با یاد از آن کرد که آن تعصبات عقیدتی و این پیشداوری ها، علی رغم همه تجارب بزرگ و کوچک پر شمار انقلاب، هنوز نقش مانعی را بر سر راه انسجام و همکاری و اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از ملاک های عقیدتی و مسلکی ایفاء می کند. و نکته اینجاست که

نیروهای ضد انقلابی، بسر کردگی آمریکا از همین تعصبات عقیدتی و پیشداوری ها حداکثر سوء استفاده را برای مانعیت از تشکیل جنبه متحد انقلاب، کرده اند و می کنند.





# رئیس "سیا" هم جنایتکار است هم دزد!

برای نخستین بار در تاریخ ایالات متحده آمریکا یکی از سران سابق "سیا" (جورج بوش) به معاونت ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد.  
تجهیزات جاسوسی "سیا" علیه اتحاد شوروی از ایران "شاهنشاهی" به چین مابوسالاری انتقال یافت.

کمیته نامبرده عبارتند از: پرزیدنت ریگان، ریچارد آلن، مشاور امنیتی او، یوجین وی. راستو، رئیس به اصطلاح "اداره کنترل تسلیحات و خلع سلاح" و نزدیک به ۲۰ شخصیت عالی رتبه دولت ریگان.

معاون کیسی و شخص محبوب گلدنمایر از همه بیشتر برای شاه مغفور سینه چاک می داد.

کیسی همچنین بعنوان "جاسوس کهنه کار" معروف است. او در جریان جنگ دوم جهانی از سوی "افسی" و استراتی جیک سرویسز ("سازمان جاسوسی آمریکا در آن دوران) به جبهه اروپا فرستاده شد. گویا وی در سال ۱۳۲۳، سرپرست شعبه این سازمان سلف "سیا" در لندن بوده است گفته می شود که او در آن زمان با ریچارد هلمز، رئیس "سیا" نیکسون و سفیر پیشین آمریکا در ایران آشنا گردید. آنچه مسلم است آنست که کیسی در دهه های گذشته هر چه بیشتر با فعالیت های جاسوسی در پیوند بود. تا همین چند پیش رسانه های گروهی ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی در مقاله های سفارشی از "تیزبینی فوق العاده" این "بازوی قوی ریگان" به تمجید و سپین می پرداختند.

برای درک اهمیت کیسی در ریگان برای ویلیام کیسی قائل است، یادآور می شویم که رئیس کنونی "سیا" و سردستگاه امنیتی ایالات متحده (به اصطلاح "این تلی جنس کامیونیتی"، مرکب از دوازده سازمان گوناگون) نخستین سرکرده حربه "لانگلی" است که در عین حال، عضو کابینه

متحده آمریکا در آمریکا و جنایات کنسرنهایی چون "آی. تی. تی." (یکی از مسلمان کودتای خونین شیلی) آشنا گشت. چنانکه در یکی از دادگاه های آمریکا ثابت شد، کیسی از کار بست دانش جدید خود برای به جیب زدن میلیون ها دلار با نوزید وی در سال ۱۳۵۲ معاون وزارت خارجه در امور اقتصادی و دو سال بعد رئیس "بانک صادرات" واردات "گردید. کیسی در سمت اخیر در اعطای اعتبار به پینوشه، دیکتاتور خون آشام شیلی، دست و دلبازی بی نظیری نشان داد. او در این مدت با ثروتمندترین و قدرتمندترین محافظ ایالات متحده آمریکا مناسبات شخصی برقرار کرد و مجدانه در راه پیشبرد منافع و دسیسه های چپاولگرانه و نواستعماری آنها در کشورهای "جهان سوم" گام برداشت. کیسی، بعنوان عضو "کمیسیون نظارت بر تسلیحات"، رشته های پیوند نزدیک خود را با مجتمع نظامی - صنعتی تقویت بخشید.

رئیس "سیا" در "حزب جمهوری خواهان" نیز فعال بوده است. وی سرپرست ستاد مبارزه انتخاباتی رونالد ریگان بود. گفته می شود که رونالد ریگان تا داشتن چنین تبلیغات چی، اطمینان داشت که "خطای روانی" مرتکب نخواهد گردید. بعبارت دیگر، کیسی وظیفه داشت که رضایت محافظ متنفذ "بیگ بی زینس" را جلب و با شعارهای هر چه بیشتر فریبکارانه برای ریگان رای جمع کند. جایگیری برای ریگان نخستین تجربه کیسی در این زمینه نبود. او در سال های ۴۰ مسئولیت تبلیغ برای "تأمزدهای حزب جمهوری خواهان" را بدست گرفت و در مبارزات

سروکله بسیاری از آنها در صحنه سیاسی واشنگتن نیز پیدا شد. برای نخستین بار در تاریخ ایالات متحده آمریکا، یکی از سران سابق "سیا"، یعنی جورج بوش به معاونت ریاست جمهوری این کشور انتخاب گردید. بری گلدواتر، میلیونر آریزوناویکی از لحام گسیخته ترین نمایندگان محافظ تجار و پیشه آفرینان آمریکا، ریاست "کمیسیون ویژه سن برای جاسوسی" را عهده گرفت. فرانک کالوچی، معاون پیشین "سیا" به معاونت وزارت دفاع آمریکا برگزیده شد. جنرال ورونون، رهبر سابق عملیات سری گره جنوبی و ویتنام جنوبی و معاون "سیا" در سال های ۵۶-۱۳۵۱، بعنوان فرستاده ویژه به "خدمت" وزارت خارجه درآمد. گفته می شود که انتخاب کیسی به ریاست "سیا" برای ناظران صحنه جاسوسی آمریکا چندان شگفت انگیز نبود. نظریه زندگی نامه ویلیام کیسی ۶۸ ساله نشان می دهد که حداقل

چندی است که ویلیام کیسی، رئیس سازمان جاسوسی "سیا" آمریکا ماح حملات شدید جناح متنفذی از محافظ حاکمه ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. نزدیک به سه هفته پیش تداستیونس، معاون فراکسیون اکثریت سنای آمریکا، اعلام داشت که "کمیسیون ویژه سن درباره مسائل جاسوسی به استعفا کیسی تمایل نشان داده است. رئیس این کمیسیون، که کیسی جزیری گلدواتر، سناتور آریزوناویکی از نمایندگان دواتشه "باز" - های آمریکا نیست، در محفل خصوصی به همکاران خود گفته بود: "کیسی باید برود" (تایم ۱۱ مرداد ۶۰ / ۳ اوت ۸۱). بگفته علنی وی انتخاب "هیوجل" خطای کافی است که با آقای کیسی را خود به فکر استعفا بیندازد و با آنکه رئیس جمهور ترتیب آن را بدهد (هما - نجا). اما هیوجل کیست؟

مکس هیوجل، معاون بخش عملیات "کیسی" بود، که پس از افش شدن اسنادی رسوا ساز درباره اختلاس و حقه بازی هایش (ظاهرا از سوی محافظ جاسوسی رقیب) از سوی اربابش مجبور به استعفا شد. در ضمن این زمزمه نیز آغاز گردید که خود ویلیام کیسی هم در گذشته، در زد و بند های تجاری و رشوه گیری، از جمله از شرکت

یکی از اولین شیرینکاری های رئیس کنونی "سیا" جعل اسناد وزارت خارجه آمریکا درباره به اصطلاح کمک کشورهای سوسیالیستی و تیکار اگوتیه مبارزان السالوادوری بود.

ویلیام کیسی در اعطای اعتبار به پینوشه جلاد دست و دلبازی بی نظیری نشان داد.

های شمارگر سازی "کوپ سیستمز" و "پینوسر پارت موز" دست داشته است. استیونس در پی افشای این اسرار، اعلام کرد که استعفا کیسی بنگ سازمان "سیا" خواهد بود.

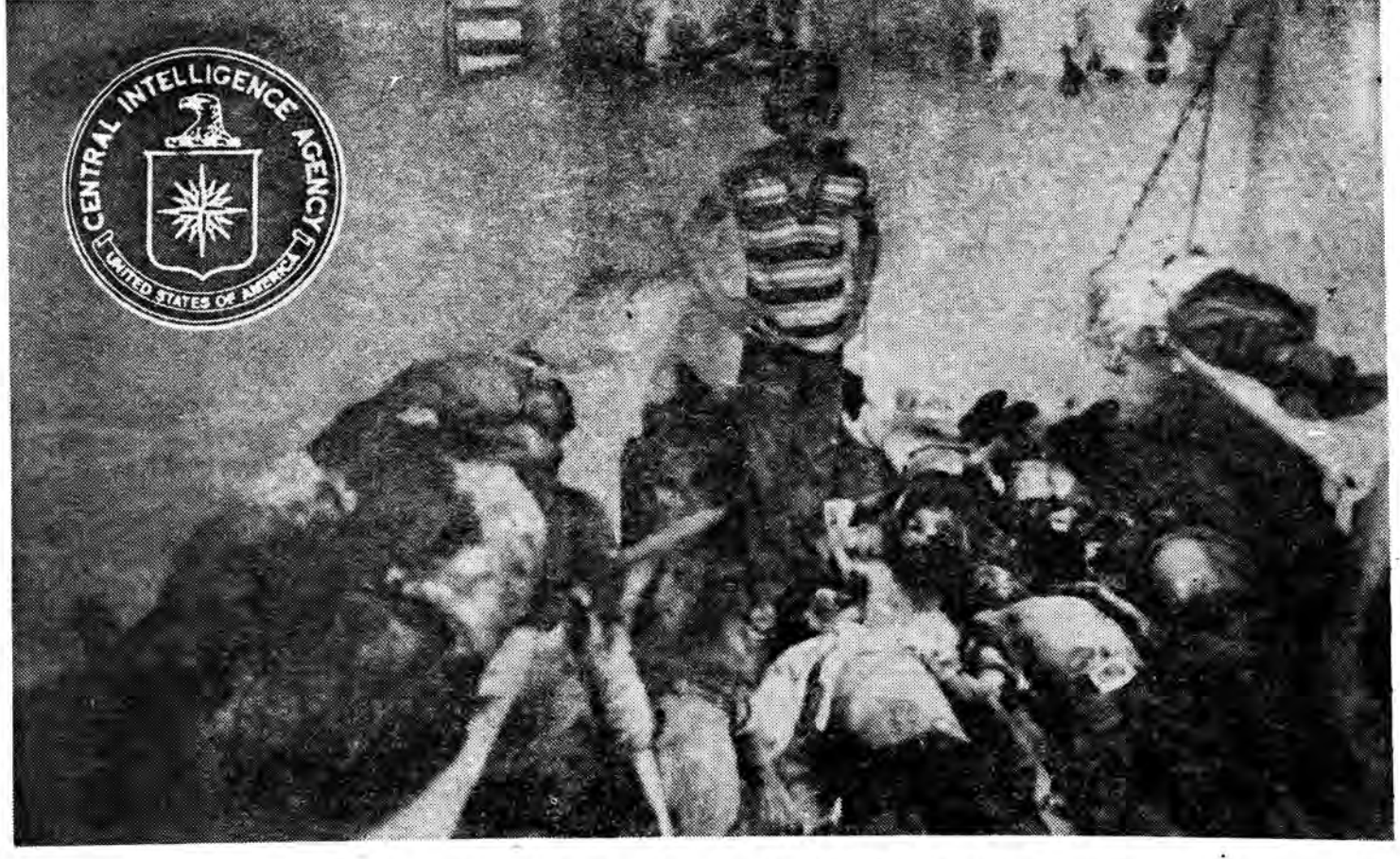
در این میان "کمیسیون ویژه سن برررسی ماجرای کیسی" را آغاز کرد و ظاهرا برای آن که یکی از کثیف ترین هیاهوهای واشنگتن پس از روی کار آمدن ریگان ("تایم ۱۹ مرداد ۶۰ / ۱۰ اوت ۸۰) و نجات "سیا" از رسوایی بیشتر عجالتا پایان باید، اعلام داشت: "کمیسیون به اتفاق آراء نظر داد که پایای برای این نتیجه گیری نیافته است، که آقای کیسی شایستگی سمت ریاست "سیا" را ندارد". از سوی دیگر، گلدواتر اعلام کرد که "کمیسیون" تحقیقات خود را ادامه خواهد داد. ولی چنانکه "تایم" پیشگفته در این زمینه می نویسد:

"در واقع همه کس در این بازی باخت". در زیر، ضمن بررسی مفصل تر "ماجرای کیسی"، برخی دیگر از جوانب مرموز فعالیت "سیا" و زندگی رئیس آن را می کاویم:

هنوز چند روزی پیش از روی کار آمدن دولت ریگان نگذشته بود که روزنامه "لوس آنجلس تایمز" در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۵۹ (۱۵ فوریه ۱۹۸۱) از شرایط مساعد "برای وجگیری تازه عملیات سری "سیا" سخن گفت. دیگر رسانه های گروهی ایالات متحده آمریکا نیز "کام بک" (بازگشت) به تبه کارانه ترین روش های جاسوسی را پیش بینی کردند. هفته نامه "خبری" یو. اس. نیوز اندورلد ریپورت"، در جمع بندی از کارنامه نخستین ماه های فعالیت دولت ریگان، در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ (۱۷ ژوئن ۱۹۸۱) نوشت:

"با قامت رونالد ریگان در "کاخ سفید" آینده سازمانهای جاسوسی تا بنک بنظر می رسد. این هفته نامه افزود، که سازمان های جاسوسی آمریکا در آینده "از پول بیشتر و پرسنل گسترده تر برخوردار خواهند شد و دولت ریگان بار دیگر تاکید بیشتری بر عملیات سری در خارج خواهد ورزید.

در چنین جوی، ارگان های مطبوعاتی هار - ترین جناح های حاکم ایالات متحده آمریکا با شادی و شغف فراوان از تائید ویلیام کیسی از سوی کمیسیون دائمی سن بعنوان رئیس "سیا" خبر دادند و سخنان "نویید بخش" در یادار ارباب این من، یکی از معاونان کیسی، را درباره "غلبه بر محدودیت هایی"، که "سیا" اکنون با آن روبرو است، با حروف درشت چاپ کردند. سر جاسوسان "نامدار" آمریکا تنها به "لانگلی" (محل "سیا") راه نیافتند، بلکه



یکی از صدها چهره کره "سیا": کشتار انقلابیون السالوادور بدست عوامل سازمان جاسوسی آمریکا.

است. بدین ترتیب، "سیا" بیش از پیش می تواند بر تصمیمات دولت تاثیر گذارد. البته ویلیام کیسی تا کنون درباره شی آتی "سیا" چیزی نپایان نیاورده است. از سوی دیگر، برخی شواهد حاکی است که ویلیام کیسی هم اکنون "عملیات خاص" خود را آغاز کرده است. رالف مک گی، که ۲۵ سال در خدمت سازمانهای جاسوسی ایالات متحده بود، در شماره ۲۲ فروردین ۱۳۶۰ (۱۱ آوریل ۱۹۸۱) "دنیشن" از سه نمونه از این گونه "عملیات" درباره السالوادور برده بر می دارد: جعل اسناد برای اثبات "به اصطلاح" واگذاری سلاح از سوی کشور - های سوسیالیستی به نیروهای آزادی بخش

انتخاباتی آیزنهاور (۱۳۳۵) و نیکسون (۱۳۳۹) نیز نقش مهمی داشت. انتخاب کیسی را بعنوان جارجیگری ریگان در این واقعیت باید جست، که هریران "حزب جمهوری خواهان" در او فرد مناسبی را برای اعمال مشی رویارویی نظامی و سیاسی می دیدند. اگر این ادعای زومی به اثبات داشته باشد، کافی است که از عضویت او در "کمیته خطر کنونی" نام برد. این کمیته، که از افراد متنفذ عرصه سیاست، اقتصاد، نیروهای مسلح، رسانه های گروهی و غیره تشکیل می شود، هدف خود را ایجاد جوی مساعد برای پیشبرد هر چه بیشتر سیاست تسلیح و زور - گویی نظامی می بیند. بنوشته "دباستون گلوب"، (۲۸ آوریل ۱۹۸۱)، از جمله اعضای "نامدار"

(نیویورک) بدنی آمد، از اعتماد محافظ بزرگ سرمایه داری "بیگ بی زینس" برخوردار است. کیسی پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در "فورد هام" و "سنت جانز" در رشته حقوق "صلاح" آن دید که خود را در خدمت "ده هزار فامیل" آمریکا بگذارد. این میلیاردر آمریکایی زمانی بعنوان یکی از موفق ترین مشاوران امور مالیاتی در ایالات متحده شهرت داشت. اعتماد عمیق "وال استریت" نسبت به ویلیام کیسی ده سال پیش در گزینش او از سوی نیکسون به عنوان رئیس "سکیوریتی انداکس چینج کمیشن" نهادی دولتی که بر انتقال وجوه مالی و سهام نظارت دارد، بازتاب یافت. در اینجا بود که کیسی باز دوبندهای مالی انحصارهای ایالات



### رئیس سیا...

بقیة از صفحه ۳

السالوادور، کارزار دروغ و بهتان درباره "تهاجم کمونیستی" به السالوادور از خاک نیکاراگوئه، و نشر جرمه ها سخنگوی وزارت خارجه آمریکا درباره "کمک کشورهای کمونیستی" به آزاد پخواهان السالوادور، "سیا" برای یرده یوشی بر عملیات خود، دیپلماتی را به سان سالوادور فرستاد، که چند روز پیش از بازگشت خود به آمریکا "هشت تنه کیلو مدرک" از طرف "باشناسی" دریافت داشت. همین "مدرک" بود که چند روز بعد بعنوان "اسناد خیلی محرمانه" از سوی بیگ های بلند پایه وزارت خارجه آمریکا به پایتخت های کشورهای "ناتو" فرستاده شد.

در روز اول اسفند ۱۳۵۹ (۲۰ فوریه ۱۹۸۱) هنگامیکه لیکل برگر، فرستاده ویژه ایالات متحده آمریکا، "مدرک" "سیا" ساخته را در وزارت خارجه جمهوری فدرال آلمان پرویت می رسانید، فیلیپ ایچی، همکار سابق "سیا" در آمریکا

### "سیا" از تدارک حملات اسرائیل به پژوهشگاه اتمی عراق اطلاع داشت.

سازد، "سیا" از ضد انقلابیون و اشرار افغانی برای قاچاق تریاک و دیگر مواد مخدر از افغانستان استفاده می جوید. در پیوند با حمله اسرائیل به پژوهشگاه اتمی عراق، جالب است که جنگنده های "اف ۱۶"

از دیده دستگاه های مراقبتی ابر مدرن آمریکا در عربستان سعودی پوشیده ماندند، در حالیکه همه شواهد حاکی از آنست که دستگاه وسیع جاسوسی آمریکا در اسرائیل از تدارک این تهاجم آگاهی کامل داشت.

چند هفته پیش، هنگامیکه خبر سفر کیسی به آسیا در مطبوعات جهان فاش شد، روزنامه های آمریکایی درباره دستگاه های جاسوسی الکترونیکی لب بدسخن گشودند، که در مرز میان چین و اتحاد شوروی استقرار یافته اند و از سوی سازمان های جاسوسی آمریکا اداره می گردند. گفته می شود که این دستگاه ها از ایران "شاهنشاهی" به چین مائوسالاری انتقال یافتند.

مطبوعات اروپای غربی خیر می دهند، که دستگاه های جاسوسی آمریکا فعالیت خود را در این کشور هاد، پیوند با استقرار ۵۷۲ موشک

پرشینگ ۲، موشک های بالادرو جنگ افزارهای توترونی در این قاره و تحمیل افزایش بودجه تسلیحاتی بر متحدان اروپایی "ناتو" گسترش بخشیده اند. شکی نیست که اراجیف رسانه های گروهی بورژوازی درباره باصطلاح "برتری نظامی اتحاد شوروی" و کارزارهای بهتان آمیز و کمونیم ستیزانه علیه جنبش صلح کشورهای اروپای غربی از زرادخانه "سیا" سرچشمه می گیرند.

ایالات متحده آمریکا پس از پیروزی چشمگیر نیروهای چپ در فرانسه و شرکت چهار وزیر کمونیست در کابینه آن کشور به "باز نگرانی" علنی بسنده نکرد، بلکه برای حفظ کنترل "ناتو" بر فرانسه و جلوگیری از "تحولات ناخوشایند" و بانقض آشکار حاکمیت این کشور به تحکیم و گسترش فعالیت های جاسوسی خود در فرانسه اقدام ورزید.

چند هفته پیش، پس از آنکه فعالیت سازمان ارتجاعی و سری "پ ۲۰" در ایتالیا فاش و معلوم شد که سازمان نامبرده و اعضای برجسته آن، از جمله پاره ای از سیاستمداران، سرمایه داران، ارتشیان، ماموران جاسوسی و دیپلمات های سرشناس ایتالیا، در صدد تدارک کودتا علیه دولت قانونی ایتالیا بودند، بار دیگر از پیوندهای "پ ۲۰" با "سیا" سخن به میان آمد. چنانکه میدانیم هر بار که در ایتالیا انتخابات برگزار ویا کابینه

لاتین، در کنفرانس مطبوعاتی بن اظهار داشت که، هرگز کسی "اصل" این اسناد را چشم نخواهد دید، زیرا که چنین "اصلی" اصلا وجود خارجی ندارد. بگفته فیلیپ ایچی:

"سیا" میخواهد در السالوادور ویتنامی دیگر تدارک ببیند.

قتل هر چه بیشتر میهن دوستان السالوادور از سوی های ویلیام کیسی سخن می گوید. بگفته مک گکی در مقاله "پیشگفته" "دنیشن":

"آنحاکم از واقعیات ویدالایل لازم برای توجیه مداخله ایالات متحده آمریکا خیری نیست "سیا" به ایجاد جو ضرور جعل "دلایل" و نشر آنها از طریق رسانه های خود در سرا سر جهان دست می رتد."

جعل "اسناد السالوادور" نشان می دهد که چگونه سازمان جاسوسی آمریکا در صدد گسترش کارزار بهتان آمیز "نورس بین المللی پرورده" مسکو است. هدف آمریکا این کارزار تدارک مداخله خود علیه کوبا، نیکاراگوئه، السالوادور خاور نزدیک و همه کشورهای مناطق است، که در آنها با مقاصد چپا و لگرنه تجاوز کارانه امپریا - بالیسم ایالات متحده مبارزه می شود. بر پایه گزارش "یو.اس. نیوز اند رپورترز" ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ (۱۷ ژوئن ۱۹۸۱)، کیسی می خواهد از این پس به "عملیات سری" از همه "الاف خود توجیه بیشتری میدول دارد".

در خارجو این "بذل توجه" است، که ساویمی، سرکرده "باند" "اونیتا"، که در مهاجرت آفریقای جنوبی بسر می برد، بار دیگر برای تحمیل راه حلی امپریالیستی برنامی بیاعلیه "سواپو" (وهم چنین آنکولا) فعالیت از سرمی گیرد و مناسبات میان سازمان های جاسوسی "واشنگتن" و "برنوریا" گسترده ترمی گردد. بی آنکه مقامات دولتی موزامبیک و آسامیا از دسیسه های "سیا"

علیه کشورهای خود پرده بر می دارند. از سوی دیگر علیه لیبی کارزار، ای خصمانه در سرا سر جهان برپا می گردد و به اعتراف "بی زینسویک" (۱۰ فروردین ۱۳۶۰/۳۰ مارس ۱۹۸۱) پاکستان هر چه بیشتر به ایگانه نظامی و جولانگه فعالیت های جاسوسی "سیا" علیه افغانستان و ایران و دیگر کشورهای همسایه بدل می شود. علاوه بر این چنانکه مجله آمریکایی "کائونتر اسپای" فاش می-

### بازگشائی دانشگاه ها...

بقیة از صفحه ۱

می شد، وحتما می شد، اگر تعصبات بیجا در کار تغییر نظام دانشگاهی دخالت نمی کرد، اگر بدون تعصبات گروهی و عقیدتی به مسئله مهم آموزش عالی برخورد می شد.

دانشگاه ها تعطیل شده اند، نادانشجویان استعمارزده بار نیابند. اما هم اکنون متجاوز از دویست هزار جوان در مراکز جاذبه شیوه زندگی سرمایه داری امپریالیستی مقیم اند. تاجه شود؟ "غرب زده" بار بیابند؟ این یک بام و دو هوا را چگونه می توان توجیه کرد؟

اکثریت دانشجویان دانشگاهی ایران در مقایسه با دانشجویان مقیم خارج از یک سو مستعدتر و درس خوان تر و از سوی دیگر، و بویژه محروم از ثروت و رفاه اند. اینان از هفت خوان کنگسور دانشگاهی دوران طاغوت به سلامت گذشته اند، در حالیکه فرزندان خانواده های مرفه با استعدادی کمتر، به اتکا به ثروت والدین خود راهی خارج شده اند. اکنون آیان نصف است که دانشجویان با استعداد و درس خوان ولی بی پول را از ادامه تحصیل



دو حقه باز در کنار یکدیگر: ویلیام کیسی و مکس هیوجل

جدیدی تشکیل می شود، کارزار "خطر چپ" ارتجاعیون ایتالیا با تهدیدات دیپلماتیک و نه چندان دیپلماتیک دولت آمریکا هماهنگ می -

گردد البته اوضاع همیشه نیز بر وفق مراد آقای ویلیام کیسی و دسیسه پردازان "لانگلی" نبوده است: در موزامبیک یک شبکه جاسوسی ایالات متحده آمریکا کشف شد، در زامبیا دو جاسوس دیپلمات نمای "سیا" به اتهام توطئه برای سر -

نگونی دولت کائوندا از آن کشور اخراج گردیدند، به گوری چشم "سیا"، جنبش صلح در اروپای غربی گسترش می یابد و حتی برخی از سران پیشین "ناتو" مخالفت خود را با تسریع مسابقه تسلیحاتی از سوی "پنتاگون" ابراز داشته اند، در السالوادور، یعنی در نزدیکی "دژ سرمایه داری جهان"، نهضت مقاومت ضد امپریالیستی روز به روز توسعه می یابد، کشورهای آفریقایی هر چه بیشتر سیاست ایالات متحده را در باره نامی بیا مردود می شمرد، و بالاخره "کاورت اکشن"، ارگان گروهی از مخالفان "سیا"، در یکی از شماره های اخیر خود، نام ۱۵ جاسوس این سازمان را فاش ساخت، که بعنوان دیپلمات در ۱۲ کشور جهان انجام وظیفه می کنند.

تغییراتی که سالها پیش در ترکیب پرسنل و ساختار دستگاه جاسوسی ایالات متحده، آمریکا - حرکت از ۲۰ هزار جاسوس حرفه ای در داخل و خارج - آغاز شد، اینک با شتاب بیشتری پیگیری می گردد. در این زمینه، جالب است که کیسی رابرت این من را بعنوان معاون اول خود منصوب کرد. یادآور می شویم که رابرت این من پیش از این رئیس "نشال سکوریته ای جنسی" کیسی از مجهزترین دستگاه های جاسوس جهان - و از جمله کسانی بود، که برای حفظ رژیم منغور شاه در ایران بیش از همه سینه چاک میدادند. به نوشته "نیوزویک" (۵ مرداد ۱۳۶۰/۲۷ ژوئیه ۱۹۸۱)، گلدواتر

امایل است، که این من جانشین کیسی شود. معاون "بخش عملیات" کیسی تا همین چند پیش مکس هیوجل بود، که در جنگ دوم جهانی در بخش جاسوسی ارتش آمریکا در ژاپن و فیلیپین اشتغال داشت و بعدا حرفه خود را به خاطر کسب و تجارت در کشورهای آسیایی ترک کرد. (مجله "نیوزویک" (۵ مرداد ۱۳۶۰/۲۷ ژوئیه ۱۹۸۱)

به دروغ می نویسد: "تنها صلاحیت هیوجل ... برای سمت بسیار حساس معاون "بخش عملیات" رابطه او با ویلیام ج. کیسی بود." همین دروغ در "تایم" ۱۱ مرداد ۱۳۶۰ (۳۰ ژوئن ۱۹۸۱) تکرار می شود. پس از فشاگری های رسوا ساز درباره اختلاس و حقه بازی های هیوجل در گذشته (ظاهرا از سوی محافل جاسوسی رقیب)، کیسی چند هفته پیش او را به استعفا مجبور ساخت. یکی دیگر از انتصابات بحث برانگیز ویلیام کیسی استانیلی اسپورکین

ماندند. یکی از مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی اخیرا گفته است که در سال گذشته ۶۰ هزار دیپلمه بیگاروار در بازار کار شدند، که حاضرند با ماهی ۱۵۰ تومان مشغول کار شوند. و این هشدار جدی است. بلا تکلیفی و بیگاری باید تا چه حد آزردهنده باشد که در این شرایط تورم و گرانی توان فرسا، ۶۰ هزار جوان حاضر به فروشن نیروی کار خود در قبال روزانه ۵۰ تومان دستمزد شوند، که فقط بهای نیم کیلو گوشت است و لا غیر. بازگشائی دانشگاه ها می تواند این استعداد های عاقل و باطل را در راه صحیح بکار گیرد و در خدمت کشور و مردم بگمارد.

برای تأمین کادر آموزشی دانشگاه نیز نباید یکسویه نگر بود. نباید با چراغ بدنیا ل ستاد مکتبی گشت و علامت مکتبی بودن راهم در ظواهر جستجو نمود. امام خمینی درباره استفاده از تخصص ها، رهنمود روشن و صاعی دادند. امام خمینی می گویند:

در مورد انتخاب استادان همین قدر که استادی باشد تخصص داشته باشد و در مسیری که ما می خواهیم متخصص و قابل بهره برداری باشد و کار او سودمند و نافع به اجتماع باشد و عمل او به هیچوجه برخلاف نهضت نباشد، و لوا اینکه مسلمان نباشد، ما بایستی نخواهیم داشت از بهره جستن از

بود، که باوی در "اسکیوری تیزانداکس چینج کامیشن" کار میکرد و اکنون به اصطلاح مشاور کل حقوقی (جنرال کائونسل) "سیا" شده است. استانیلی اسپورکین در این سمت و وظیفه دار تا همه عملیات تخریبی "سیا" را از نظر قانونی توجیه کند. برای نمونه، به نقل از "نیوزویک" (۵ مرداد ۶۰ ژوئیه ۱۹۸۱) وی هنوز معتقد است که هیوجل جرمی مرتکب نشده است!

همانگونه که در بالا یادآور شدیم، میان سازمان های جاسوسی آمریکا و کمیسیون ویژه سنای این کشور، که سیاست آنرا هارترین محافل ایالات متحده تعیین می کنند، هماهنگی خاصی موجود است. نزدیک به یکسال پیش (اکتبر ۱۹۸۰) دولت گارتنر قانونی از کنگره گذراند که بر پایه آن شماره کمیسیون های ذی صلاحیت "کنگره" در امور جاسوسی از ۸ به ۲ کاهش یافت. چندی پیش گروهی از کارشناسان مسائل جاسوسی از جمله مسئله الغای "اکره کیوتیو او ردر ۱۲۰۳۸"، را مورد بررسی قرارداد. این فرمان، که سه سال پیش صادر شد، برخی از اختیارات سازمان های

• هارترین جناح های محافل حاکم آمریکا می خواهند سلاح های اتمی در اختیار "سیا" بگذارند  
• چگونه "سیا" از "مبارزان" افغانی برای قاچاق تریاک و دیگر مواد مخدر استفاده می کند.

جاسوسی را محدود ساخت و پاسخی بود به نگرانی فزاینده افکار عمومی از نقض هر چه بیشتر حقوق آنها از سوی سازمان های جاسوسی آمریکا. بدین ترتیب، مقامات آمریکایی در صدد تدا سدهای را، که احتمالا هنوز در راه خود سری های "سیا" و دیگر سازمان های جاسوسی این کشور موجود است، از میان بردارند. تعطیل دفتر روابط عمومی "سیا" نشانگر بی احترامی و بی اعتنائی این سازمان به افکار عمومی است.

چندی پیش دیوید وایز، که به خاطر کتابهای جاسوسی خود در بازار کتاب های بولوار آمریکا شهرتی دارد، با بهره برداری از جو "سیا" طلب کنونی، کتابی به بازار عرضه کرد، که در آن از واگذاری سلاح های هسته ای به "سیا" هواداری می گردد!

به موجب اسناد محرمانه ای که چند هفته پیش خبرگزاری "آسوشیتد پرس" منتشر ساخت، قرار است دست سازمان های جاسوسی آمریکا در زمینه دستبرد غیر قانونی به حقوق دموکراتیک شهروندان و نهاد های اجتماعی گوناگون در آینده از این نیز باز تر شود. پشتبانی علنی ریگان را در اوائل بهار دو مامور "اف. بی. آی."، که در سالهای ۷۰ بدون هیچگونه مجوز قانونی به باز -

رسی برخی خانه ها پرداخته بودند، در این چار - چوب باید ارزیابی کرد. "آمریکن سیویل لیبر - تیز بیونیون"، یکی از سازمان های بی هدف آن دفاع از حقوق دموکراتیک شهروندان آمریکا است، این هواخواهی ریگان را "دعوت جاسوسان" اف. بی. آی. "به نقض خود سرانه حقوق مدنی مردم آمریکا خواند." این گفته تنها نمونه ای از نگرانی عمیق آمریکایی ها و محافل دموکراتیک این کشور از گرایش های خطرناکی است، که هدف آنها "قدر قدرت" ساختن "سیا" و دیگر سازمان های جاسوسی ایالات متحده در جامعه آمریکاست. با سابقه ای که خلق های کشورهای گوناگون جهان، از جمله مردم ما، از جنایات این سازمان ها دارند، در این نگرانی باید سهیم بود.

کار او و تخصص او، بلکه اصرار داریم که حتما از خدمات این گونه استادان هم استفاد مکینیم و سود بجوئیم.

با این رهنمود روشن، باید از دانش و استعداد کادر علمی دانشگاه که مومن به انقلاب است، استفاده کرد. حتی باید متخصصانی را که سردشمنی با انقلاب ندارند، اما از درک خصلت والای آن عاجز مانده اند، بکار گرفت، باید آنان را به دوست بدل کرد نه آنکه بسوی دشمن راند تنها تنها کسانی را باید کنار گذاشت که ضد انقلاب اند، ساواکی اند، سرسپرد رژیم طاغوت اند و دانشو استعداد آنها فقط در جهت تخریب و ویرانگری است.

اکنون که دولت جدید به نخست وزیر دکترباهنر بر سر کار است و گروهک های آمریکایی، مائو - نیست و لیبرال سرکوب شده اند. برای بازگشائی دانشگاه ها با هنگ سریع تر فرصت مناسبی پدید آمده است. در این شرایط وظیفه برقراری نظم انقلابی در دانشگاه ها را می توان و باید به دانشجویان مومن به انقلاب، صرف نظر از مواضع فکری آنان سپرد. آنها خود به نیکوترین وجه، راه را بر فعالیت بقایای گروهک های مخرب خواهند بست.



چهره تبه کار شیطان بزرگ

شیطان بزرگ، چه نام براننده‌های، امام خمینی برای امپریالیسم آمریکا برگزیده است...

تفسیر وقایع مهم جهان

امریکا در مورد تولید بمبهای نوترونی طی تلگرافی به ریگان نوشت این تصمیم مارا تکان داده است.

هندوستان همسایه بزرگمانیز از زبان نخست‌وزیر خود نگرانی خود را از این تصمیم دولت آمریکا ابراز داشت.

سیاست جنگ افروزان رهبران کاخ سفید میتواند فاجعه جبران ناپذیری برای حال و آینده بشریت به بار بیاورد.

کوروش رضا پهلوی (نیم پهلوی) و دیگران

رادیوی صدای آمریکا "پیام" کوروش رضا پهلوی راه مناسبت سالروز قیام مشروطیت با صدای خودش پخش کرد.

میکردند و چه جای تعجب است، مگر خود "بزرگ-ترین نیوغ قرن" را معزی خلبان شاه به پاریس نبرد؟

صدای آمریکا پیام کوروش رضا پهلوی را پخش میکند و بی‌سی صدای بنی صدر را و همه نیز یک سخن را تکرار میکنند.

نرخ خوشرقصی سادات

از آن روز که سادات تمام غرور و حیثیت خلق بزرگ مصر را لگدمال کرد و به نشانه تسلیم بلا شرط در برابر اسرائیل بدان کشور سفر نمود تا امروز که مصر را به نیمه مستعمره آمریکا تبدیل نموده است.

با گذشت زمان پیوسته با وضوح بیشتری نمایان گردید که امپریالیسم آمریکا هرگز حاضر نیست نقش متحد اصلی خود را در منطقه به سادات واگذارد و اسرائیل همچنان به عنوان تکیه گاه اصلی سیاست امپریالیسم بصورت نیروی عمده سیاسی - نظامی منطقه باقی بماند.

توافق سادات با واگذاری پایگاه نظامی در خاک مصر جهت استقرار واحدهای نیروی واکنش سریع آمریکا و امضای قرارداد مربوط به شرکت آمریکا در نیروهای باصلاح چندملیتی که در سال آینده باید به جای ارتش اسرائیل در صحرای سینا مستقر شود ابعاد وابستگی مصر به عساده امپریالیسم غرب و نرخ خوشرقصی‌های سادات را نشان میدهد.

رضانمی‌تواند باشد. اتحاد سادات و محمد رضا با امپریالیسم و صهیونیسم قبل از هر چیز برای حفظ رژیمهای لرزان و ضد ملی آنان در برابر امواج انقلاب ضرورت یافت.

گسترش مبارزه طبقة کارگر در کشورهای امپریالیستی

همزمان با تعرض گسترده انحصارات امپریالیستی و حکومت‌های فرمانبردار آنها بر مواضع طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی، مقاومت کارگران در برابر این فشارها نیز سخت‌تر و متشکل‌تر میگردد.



بنی صدر، زمینه ساز ...

نقشه از صفحه ۱

نگاهی به حوادث بعد از دستگیری قطب زاده و آزادی او توطئه "جبهه متحد ضد انقلاب" را که مانند خط سرخسی بر جبهه است، افشاء می کند. ما با ذکر رتوس مهم این توطئه و معاينه تبلیغات این دوره با روزهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نظر همه مسئولان کشور، سروهای انقلابی مسلمان و مردم فهردمان کشورمان را به این توطئه امپریالیستی که خوشختانه این بار شکست خورد، اما همچنان از جانب دشمنان آشکار و پنهان شده انقلاب ایران دنبال میشود، جلب می-کم.

\*\*\*

عذار ما حرای قطب زاده و توطئه وسیع ضد انقلاب که در هری "دفتر هماهنگی" در تهران وجود شهرستان به شکل راهیمانی صورت گرفت و به شکست انجامید، روز ۲۵ آذر ۱۳۵۹ - درست همزمان با شکست توطئه - روزنامه انقلاب اسلامی به درج مقاله ای از مائو- شت آمریکا می موارای احمد غضنفر پور پرداخت. در این مقاله، که در سه شماره جات سدوایم "القاء ایدئولوژی" به آن داده بودند، غضنفر پور با طرح "خطر حزب بده ایران"، نفوذ آن در همه ارگان ها و سازمان های دولتی و "القاء ایدئو- لوری سوخت آن، ساری را کوک کرد که تا کت توطئه، همه ضد انقلابیون آن را بواحد.

روز ۲۹ آذر ۱۳۵۹ روزنامه انقلاب اسلامی در صفحه اول خود نیز درشت "افسای بیوژی های حزب بده برای ایجاد اخلال و آسوب در ایران" را چاپ رساند و در مقاله ای مدعی شد که "حزب بده" دستور روسیه، مأمور اخلال و آسوب در ایران برای بدست گرفتن قدرت شده است. و این درست همزمان بود با بزرگ کردن "خطر کمونیسم" و "خطر حزب بده" از جانب همه بلندگوهای امپریالیستی از جتار اسرائیل و بغداد و حزب زحران و ... که شرح آن را در جدول معامدای اس شماره می توانید ببینید. روز ۸ دی ۱۳۵۹ از مقر فرماندهی انقلاب، دوستان و دست یابانگان امیر- یالسم، توسط بیرونی سکی به شرح زیر صادر

"ایران یک همسایه شمالی (شوروی دارد که بیوسنه از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است) (اطلاعات - ۸ دی ۱۳۵۹)

و چند روز بعد، فرمان دیگری از حایب ریگان رسید. "خطر بزرگ آن است که حزب بده در ایران قدرت را در دست گیرد" (۲۶ دی ۱۳۵۹ - ایران تایمر)

و بدینال این دستورات - که مسلما همزمان با آن فرمان شروع عملیات کودتا هم مخفیانه داده شده بود - توطئه وارد مرحله جدیدی شد. و سگفتا! چند روز بعد نامه مفصل سرایاد شنام و افتراعی بست به "حزب بده" ایران به امضای "انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاهها" - یعنی شاخه دانشجویی "مجاهدین" - در شیراز وسیع انتشار یافت. و بعد روزنامه "مجاهد" ارگان رهبری خائن "سازمان مجاهدین خلق ایران" در شماره ۱۰۳ خود تحت عنوان "جبهه متحد ارتجاع" حزب کمپویری اسلامی، حزب بده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و چند سازمان مبارز اسلامی را "مرتجع و خائن" نام داد. از این پس تا آخرین شماره "مجاهد"، حملات افترا آمیز و کین تورا نه، بویژه علیه حزب بده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که ابتدا در مصاحبه طولانی مسعود رجوی

فراری طرح شده بود، حتی یک شماره هم قطع نشد. عین این سیاست از جانب "رنجبر"، کاراقلیت"، "پیکار"، "راه کارگر" و ... از جناح به اصطلاح چپ "جبهه متحد ضد انقلاب"، و از سوی "انقلاب اسلامی"، "میزان" و شخص بنی صدر از جناح راست "جبهه متحد ضد انقلاب" با شدت تمام در داخل دنبال شد. در خارج هم همه رادیوهای بیگانه و همه بوق های امپریالیسم هم ساز "خطر شوروی" و "خطر حزب بده" را هماهنگ با هم کوک کرده بودند.

روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۹، بنی صدر، در نطق خود در میدان آزادی، قسمت اعظم حرفهایش را به "خطر شوروی" و "خطر حزب بده ایران" اختصاص داد و با طرح دیواره "القاء ایدئولوژی" بار دیگر "خطر کمونیسم" را برجسته کرد. و این یکی از خائنه ترین بخش های کارنامه ابوالحسن بنی صدر است. برجسته کردن "خطر شوروی" برای فراموش کردن خطر آمریکا - چنانکه رهبران انقلاب هم آن را افشاء کرده است - پیوسته از جانب ابوالحسن بنی صدر با پیگیری بی نظیری دنبال می شد. یکی از خطوط اصلی سیاست بنی صدر همواره "آنتی کمونیسم" بوده و هنوز هم بعد از فرازش هست (که در جای خود خواهد آمد). اما در مقطع تدارک کودتا علیه خط امام این "آنتی کمونیسم" برجستگی ویژه ای پیدا کرد و به یکی از اساسی ترین وظایف تبلیغاتی "جبهه متحد ضد انقلاب"، که بنی صدر در رأس آن قرار داشت، تبدیل شد. در این مقطع، از ۱۸ آبان ۱۳۵۹ تا اواخر اردیبهشت ۱۳۶۰ بنی صدر به تبلیغات ضد کمونیستی خود با تکیه بر "خطر کمونیسم" وسعت بسیا قی ای بخشید، به طوری که از ۲۵ بهمن تا ۵ اسفند ۱۳۵۹، همه مطالب "کارنامه رئیس جمهور" را به تبلیغات ضد شوروی و اثبات این امر که شوروی فصد دارد در ایران سلطه خود را برقرار کند، اختصاص داد. این "سیاست بنی صدر در همان دوران با وسعت بسیا قی ای از جانب همه بلندگوهای امپریالیستی در خارج و داخل و "جبهه متحد ضد انقلاب" در داخل کشور دنبال شد.

عین این سیاست، روز ۱۸ اسفند ۱۳۵۹، در میتینگ لیبرال هادر امجدیه توسط مهندس بازرگان، دکتر یزدی و صباغیان تکرار شد. رضا صدر و مهندس بازرگان روز ۱۷ اسفند در اصفهان در مراسم سخنرانی به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر مصدق با عده کردن "خطر شوروی" و "خطر حزب بده" آن را دنبال کردند در این میان البته نقش عمده عهده بنی صدر بود زیرا که او عنوان رئیس جمهور کشور آسان تر و قاسمی تر می توانست خطر دروغین شوروی را در افکار عمومی ایران و جهان تبلیغ کند. او نیز چنین کرد.

مفایسه شوهه تبلیغات ضد کمونیستی قبل از کودتای ۲۸ مرداد و پیش از کودتای شکست خورده "جبهه متحد ضد انقلاب" به رهبری بنی صدر که در این شماره آمده، بار دیگر حربه رنگ زده امپریالیسم جهانی، بسرگر- دگی آمریکا، را افشاء می کند. خواننده با مفایسه آنچه در روزهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد گذشت و حوادث قبل از کودتای شکست خورده "جبهه متحد ضد انقلاب" در خواهد یافت که چگونه امپریالیسم باردیگر برای پنهان کردن خود، "خطر کمونیسم" را برجسته کرده و "عول روس" را با تمام نیرو یاد کرده است

دقت در تبلیغات بنی صدر برای بزرگ کردن "خطر کمونیسم" نیز نشان می دهد که چگونه او گام بگام همراه دستگاه جهانی امپریالیسم حرکت می کرده است. و قبل از ورود به بحث اصلی، بار دیگر لازم می دانیم تاکید کنیم که بنی صدر فرار کرد، اما خطی که او رهبری اش را به عهده داشت، هنوز کاملاً در هم کوبیده نشده و تلاش از جانب محافل معینی برای فراموش کردن آمریکا، و پیش کشیدن "خطر شوروی"، کماکان ادامه دارد. هشیاری در برابر این توطئه و خنثی کردن آن وظیفه همه نیروهای انقلابی است.

استراتژی "سیا" و "اف.بی.آی."

روسیه

تبلیغات امپریالیسم قبل از کودتای ۲۸ مرداد

"خطر شوروی"

"نیوزویک" یکی از ارگان های امپریالیسم آمریکا، ۱۵ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ می نویسد: "سرخ-ها بر ایران مسلط می شوند". به عبارتی از مجله "نیوزویک" نیز توجه فرمائید که در شماره ۴ اوت ۱۹۵۳، (برابر ۱۳ مرداد ۱۳۳۲) تحت عنوان "سرخ ها بر ایران مسلط می شوند" چنین نوشته است:

"... اینک برای اولین بار به این سؤال که: آیا ایران به سمت کمونیسم می رود؟ می توان بطور جدی پاسخ مثبت داد چون در حالیکه دنیای غرب با امور مهمی درگیری دارد، سرخ ها به مرور در حال تسلط بر ایران هستند. و قایعی که ظرف یک ماهه اخیر در ایران روی داده، یکی پس از دیگری خبر از ظهور کمونیسم-ها در صحنه سیاست ایران می دهد.

و حزب بده با استفاده از کلیه وقایع، قدم به قدم پیش می رود تا به هدف های مورد نظر خود دست یابد. دکترو مصدق گرچه شخصاً تمایلات کمونیستی ندارد ولیکن برای اجرای برنامه های خود به قدرت حزب بده نیاز مند است و به همین جهت عملاً از آنها حمایت می کند، بطوریکه هم اکنون در نیمه از وزارت خائف های مهم ایران عناصر حزب بده رسوخ یافته اند. و دکترو مصدق با وجودی که شخصاً از نقشه های حزب بده آگاهی دارد، ولی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت آنها نمی کند، زیرا هم از آمریکا ناراضی است و هم از مخالفین سیاسی خود که به دور شاه حلقه زده اند نمی ترسد و به همین جهت است که دکترو مصدق به قدرت حزب بده متکی شده و وسائل تسلط آنها را بر ایران فراهم می-سازد. ... (نقل از اطلاعات - ۳ بهمن ۱۳۵۹)

"خواندنیها"ی امیرانی: "در صورت وقوع جنگ ارتش سرخ در چهل و هشت ساعت ایران را اشغال خواهد کرد. ... (اول دی ماه، ۱۳۳۱)

"ارتش سرخ آماده جنگ شده است بعقیده رئیس ستاد ارتش آمریکا، ایران اولین هدف ارتش سرخ در جنگ آینده است." (۱۱ اسفند ۱۳۳۱)

"ایران بطرف کمونیسم می رود" هم اکنون وضع در هم مالمی و اقتصادی زمینه را برای یک جنبش کمونیستی در ایران فراهم کرده است. (۹ شهریور ۱۳۳۰)

"آتش" میراشرافی: "آقای هاریمان و حکومت حزب توده بر ایران - آقای مشاور رئیس جمهور آمریکا، پس از ۴۰ روز فعالیت، مژده سقوط ایران را در گام کمونیسم به دنیا می دهد." (۵ شهریور ۱۳۳۰)

و در همان شماره: "رهبران حزب توده می گویند: زمینه انقلاب کمونیستی در ایران فراهم شده و از مسکوکسب تکلیف کرده اند."

نفوذ حزب توده در ارگان ها

خواندنی ها: "سیاست مصدق کمونیستها را در ایران تقویت می کند." (۶ اردیبهشت ۱۳۳۱) "جاسوسان شوروی در ایران در تمام دستگاه های انتظامی و اداری و سفارت - خانه های خارجی نفوذ کرده اند." (۲۳ تیر ۱۳۳۱) "مجله نیوزویک ۲۵ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد (۴ اوت ۱۹۵۳) برابر ۱۳ مرداد ۱۳۳۲ نوشت: "هم اکنون در نیمه از وزارت - خانه های مهم ایران عناصر حزب بده"

چنانچه از بهجا بودن دالس وزیر خارجه خبر شد دولت آمریکا در های کمونیستی در داشت و گفت: وزارت خارجه آمریکا حزب توده حتی در نیز نفوذ کرده و سیاسی اخیر دکترو توده تنظیم کرد نیست به نخست است. ... (بهمن ۱۳۵۹)

اطلاعات

سال بیست و هشتم - شماره ۸۱۵۴ چهارشنبه هفتم مرداد ماه ۱۳۳۲ دولت آمریکا از تشدید فعالیت حزب توده در ایران نگذرد. دالس وزیر امور خارجه آمریکا روز گذشته در اثناء مصاحبه مطبوعاتی خود وزارت امور خارجه امریکا صورت میبرد در پاسخ یکی از خبرنگاران در باره تحولات اخیر برای دولت آمریکا محظورات بیشتری جهت مساعدت با ایران فراهم میسازد. چشم پوشی دولت ایران از تشدید فعالیت حزب توده در ایران دولت امریکا شده است

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه - هر روز در جلسه کنگره مجلس سنا وزیر خارجه امریکا که سولوا می کند تشکیلات خودیکی از خبر نگاران امریکا گفت اکنون که خبر گزاد بهار جرایم امپریالیستی از افزایش منظر قدرت و نفوذ حزب کمونیست توده در ایران انتشار می دهند خواهش می کنم شما نظر خود را درباره این موضوع بگویید دالس وزیر خارجه امریکا در جواب خبرنگار می گوید فعالیت حزب توده در ایران و احاطه و پیشروی دولت ایران از این لحاظ نگران بودی برای دولت امریکا که با مساهلت با ایران فراموشی ناظرین سیاسی امریکا شده اند

روسیه

"خطر شوروی"

"روس هادرو جمع آورده اند و ناگه خلق "باتفنگ های برهم می زنند. افشا می شود و غول روس (انقلاب اسلامی - چه کسی می روسیه تمامی کوشش که ما را در این سرگره خیال راحت کارا سراغ ما بیاورد. اگر دارد خوب است در گروه های وابسته در سیاست روسیه پایه استوار است. دیپلماسی پنهان و در ایران یعنی حزب وابسته به خود کرد اسلامی - ۲/۲۶) ... تا نکه و برادرانمان را هم شرايط نمی توانیم شوروی ها به درواز

روسیه تمامی کوشش که ما را در این سرگره خیال راحت کارا سراغ ما بیاورد. اگر دارد خوب است در گروه های وابسته در سیاست روسیه پایه استوار است. دیپلماسی پنهان و در ایران یعنی حزب وابسته به خود کرد اسلامی - ۲/۲۶) ... تا نکه و برادرانمان را هم شرايط نمی توانیم شوروی ها به درواز

ایران رسوخ یافته اند. ... و دکترو مصدق با وجودی که شخصاً از نقشه های حزب توده آگاهی دارد، ولی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت های آنها نمی کند، زیرا هم از آمریکا ناراضی است و هم از مخالفین سیاسی خود که به دور شاه حلقه زده اند نمی ترسد. و به همین جهت است که دکترو مصدق به قدرت حزب توده متکی شده و وسائل تسلط آنها را بر ایران فراهم می-سازد. ... (نقل از اطلاعات - ۳ بهمن ۱۳۵۹)

"القاء ایدئولوژی" و "خطر حزب توده"

واشنگتن استار ۱۵ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد نوشت:

"... همکاری پنهانی بین دکترو مصدق و حزب توده در فراندومی که اخیراً بمنظور انحلال مجلس شورایی صورت گرفت، علنی شده است. توجه به گزارشاتی که در این خصوص از تهران رسیده بیش از پیش از رویه خطرناکی که دولت ایران در پیش گرفته، پرده برمی-دارد و نشان می دهد که نگرانی دولت آمریکا از همکاری بین مصدق و حزب توده تا



# دارد می آید

## "خطر شوروی"

برزیلینسکی:  
"ایران یک همسایه شمالی (شوروی) دارد که پیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است." (اطلاعات - ۸ دی ۱۳۵۹)

شاملعون:  
"اگر وطن پرستان امروز نتوانند کاری کنند، ایران در دهان کونیست ها سقوط خواهد کرد." (نشریه ضد انقلابی "اعدام"، نهم خرداد ۱۳۵۹)

بختیار:  
"آنچه که در ایران می گذرد، عملاً به نفع کونیستهاست" ("ایران آزاد"، شماره ۱۷ فروردین ۱۳۵۹)

مجله اکسپرس، ارگان انحصارات امپریالیستی فرانسه:  
"خمینی ایران را به سوی کونیسم می راند... کونیستها فقط زیرعبای خمینی می توانستند تا این درجه به مقاصدشان نزدیک شوند." (آبان ۵۸)

## انقلاب اسلامی:

"اگر آمریکا به امید جان نشین ساختن حکومت انقلاب اسلامی ایران با حکومت دست نشانده در شروع جنگ نقش اساسی داشته است، در شکست هدف خود، که پیروزی سریع بود، در ادامه جنگ منافع بسیاری برای رقیب شمالی خود ملاحظه می کند... بی جهت نیست که کارتر در نطقی بیان کرده که با آنکه با دولت اسلامی ایران مخالف است، ولی بهر حال آن را نماینده مردم این سرزمین می شناسد و حفظ تمامیت ارضی آن را بیشتر به مصلحت اردوی غرب تشخیص می دهد، چه چیز تمامیت ارضی ایران را برای بزرگترین دشمن اصلی ایران، یعنی آمریکا مطرح

# ی صدر...

اندیشمندانها برای دست یافتن به آب های گرم برای مآخوری بالقوه است." (اطلاعات - ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)  
"گفتیم که لنین خود به وسیله روزنامه ها از وقوع انقلاب در روسیه مطلع شد. بلافاصله دستورالعملی که معین کرد این بود که در اولین فرصت باید قدرت را از دست کسانیکه آنرا در دست گرفته اند بیرون کشید. همین الگورا در زمان خودمان، مقارن انقلاب خودمان کمی پیش در افغانستان دیدیم و به گمان من جانبداران سیاست روسیه در ایران در پی آنند که این تجربه را در ایران نیز تکرار کنند." (انقلاب اسلامی ۵۹/۱۱/۲۷)

"اینها در سه نوبت انقلاب های ما را به نابودی کشاندند. انقلاب مشروطه را همین عوامل که وسایل روی کار آمدن رضاخان شده بودند، بنا بودی کشاندند. انقلاب جنگل را به همین ترتیب از بین بردند. و انقلاب نفت را هم به همین ترتیب به ۲۸ مرداد کشاندند. و حالاهم به جان این انقلاب افتاده اند." (انقلاب اسلامی - ۲۵ بهمن ۱۳۵۹)

## "فوذ حزب توده"

"حالا این روشهای استالینیستی از قلم همان استالینیستهای نقاب زده دارد

ساخته است، جز سرازیر شدن احتمالی روسیه شوروی و خطر اجرای طرح تقسیم کشور به دو منطقه نفوذ؟ اردوی غرب برای العین می بیند که دولت شوروی، که بر احتی با بیان این خیال که با وقوع انقلاب اسلامی ایران مرزهایش در افغان نستان در خطر است، آن کشور را در نقطه ضعف داخلی با شغال در آورد." (شماره ۴۱۲ - ۱۵ آذر ۱۳۵۹)  
هاشم صباغیان:  
"همانطور که مبارزه ضد امپریالیستی برای ما مهم است، با مبارزه ضد سوسیال امپریالیستی شرق می توان شعارنه شرقی، نه غربی را تحقق بخشید" (۵ بهمن ۱۳۵۹)

رنجیر: ارگان گروهک مائوئیستی - آمریکا (رنجیران):  
"غول روسی دندان نشان می دهد... روسیه ایران را تهدید می کند که چنانچه تشخیص دهد... برای حفظ منافع کشور شوروی و شهروندان خود

خلاصه ترجمه:  
در زمستان سال ۷۷-۷۶ یک کنفرانس در واشنگتن برگزار شد که در این ملاقات نماینده "سیا" و "اف.بی.ای"، شرکت داشتند. اینها می خواستند در مورد موفقیت استراتژی روسیه در سالی که در پیش است، اتفاق نظرانی داشته باشند. بنابراین کنفرانس تبدیل می شود به چند کمیسیون با شرکت افراد مختلف:  
تیم یا کمیسیون اعلام کرد که روسیه دارد می آید.  
تیم یا کمیسیون اعلام کرد که روسیه دارد می آید.  
مسائل استراتژیکی هسته ای نقطه اصلی صحبت ها بوده است. (افشا - گری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" - شماره ۴ - صفحه ۲۷)

# تبلیغات امپریالیسم بعد از پیروزی انقلاب و در آستانه توطئه و کودتاها

بلکه در تمام مراکز تصمیم گیری بیزرخنه نفوذ کرده است... برنامه ریزان این حزب با جلوه دادن اشغال سفارت آمریکا بعنوان یک حرکت ضد امپریالیستی عامل انشعاب در گروه های مخالف رژیم از جمله فدائیان خلق شده با جذب بخشی از آن کمبود نفقات خود را تا حدودی جبران کردند" (دوشنبه ۸/۱۰/۵۹)

را با اقدام خواهد کرد که معنی عملی این تهدید نیز در منطق وزبان دیپلماتیک و بر قدرت آمریکا و روسیه چیز دیگری نیست جز اشکال مختلف اقدام و تجاوز نظامی" (۲۸ دی ۱۳۵۹)  
راد یواییسی:  
"ایرانیان وطن دوست باید بدانند که دشمن آنها شوروی است. اما حکومت خمینی و آخوندها پیش، که ظاهر اشعار نه شرقی، نه غربی می دهند، نه تنها با روسیه مبارزه نمی کنند، بلکه بدامان آن افتاده است." (۱۴ دی ۱۳۵۹)

## "فوذ حزب توده"

راد یو بختیار:  
"حزب توده... اکنون نه تنها به یک سازمان متشکل و مسلح تبدیل شده،

رنجیر: ارگان گروهک واشنگتن - پکن ساخته رنجیران:  
"خطر حزب توده که اهداف معینی را در خدمت به بر قدرت روس دنبال می کند، بتدریج در بخشی از نیروهای حاکم بعلت ناآگاهی، اشتباهات و انحرافات و با وجود منافع گروهی و قدرت طلبانه القاء شده و از طرف آنها جذب و اعمال می گردد." (۲۴ دی ۱۳۵۹)

## "القاء ایدئولوژی" و "خطر حزب توده"

انقلاب اسلامی:  
۱- وضع دانشگاه ها، بنفول قبیله عالیقدر حضرت آیه الله منتظری، قاجعد است. آخر مگر می شود، و به استناد چه استدلالی، نیروهای جوان و منفکر جامعه را به بیگاری و بطالت محکوم کرد (در کجای دنیا این کار را می کنند و کرده اند جز دیکتاتورها برای خفه کردن صدای آزادی طلبی سعی بیهوده کرده اند؟ چرا به دام این فریب القاء شده از جانب حزب توده افتادیم؟

۲- حزب توده موافقی که بتواند این تحلیل را در مسلمانان بعنوان یک تحلیل درست و منطقی القاء کند، به عده ترین وظیفه خود عمل کرده و متاسفانه می بینیم روش در بین بعضی دسته ها موفق بوده است. تحلیل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بدو شروع مجلس شورای اسلامی چنین بود. (۲۰ آذر ۱۳۵۹ - سرمقاله)

بختیار خائن:  
"خمینی در آستانه شکست است. بعد از او حزب خائن توده قدرت را بدست می گیرد." (۱۹ اسفند ۱۳۵۸ - سخنرانی در پارس)

راد یو آمریکا:  
"دیگر برای آشنایان به امور ایران شکی باقی نمانده است که حزب توده که روز به روز نیرومندتر می شود، تا بدست گرفتن قدرت فاصله زیادی ندارد. دیپلماتها بر آنند که حزب توده تنها منتظر فرصت است" (۷ شهریور ۱۳۵۹)

مدیر مسئول روزنامه "انقلاب اسلامی":  
"خطرات اصلی ایران امروز حزب توده است. این حزب برای هر ساله طرح دارد و آن را با پوشش اسلام بیان می کند و متاسفانه دوستان نادان هم آنرا تکرار می کنند." (سخنرانی در مسجد گوهرشاد مشهد - ۴ بهمن ۱۳۵۹)

# ایران تا بجز

نشر به مستقل ایرانیان مقیم ایالات متحده و کانادا

جمعه بیست و ششم دی ماه ۱۳۵۹ سال دهم شماره ۱۷۸

رواندریکین

## خطر بزرگ آن است که حزب توده در ایران قدرت را در دست گیرد

استفاده از اصطلاحات آن ایدئولوژی همین مفهوم و مضامین را به اصطلاح خرد خرد جامی اندازند، طوری که به تدریج که جلومی رود می بینی اسم، کلمات، عناوین، یک چیزهایی هستند. مثلاً فرض کنید که ظاهرشان اسلامی است اما محتوی همان محتوی است که آن دسته دارای ایدئولوژی طرفدار قدرت روس دارد. حالا اگر مجال بدست آوردند مثل همان "بیانیه اعلام مواضع بیانیه ای هم صادر می کنند" (کارنامه ۲۲، بیان انقلاب اسلامی ۲۸ آذر)

"مهمترین کار برای ایجاد زمینه استبداد والقاء ایدئولوژی است... ایادی بر قدرت روس به آن توانایند. و امروز در کار القاء ایده تولوژی هستند تا این انقلاب هم به استبداد تحویل بدهند. زمینه کارشان در القاء ایدئولوژی تبلیغ جهان وطنی کونیستی، تبلیغ آن انترناسیونالیسم قلابی به قول یک هموطن ما هم اول خیال می کردیم این انترناسیونالیسم استالینی یک واقعیت دارد. وقتی به روسیه رفتیم دیدیم بله انترناسیونالیسم دو جزء دارد. "عنترش" ناسیونالیزمش روسی است و "عنترش" ما ایم و بقیه بشریت." (انقلاب اسلامی - ۲۳ بهمن ۱۳۵۹)  
"پس این همان جنگ روانی است که در جریان بررسی زمینه سازی کودتا آورده ام و این حزب توده نیز، با اینکارهایی سابقه نیست و در تاریخ خود بسیار از این کارها کرده است و سابقه طولانی دارد." (انقلاب اسلامی ۲۸/۲/۱۳۶۰)

در روزنامه ها و رادیو تلویزیون نقش پیدای می کند تا به فضاوت اسلامی شکل گمی بدهد، که موافق استقرار این نوع استبداد بشوند. این است آن خطری که من مایلم پرهیز بشود و نسبت به آن هشدار می دهم." (انقلاب اسلامی - ۲۴ آذر ۱۳۵۹)  
"استاندار ایلام در جلسه دیروز شورای عالی دفاع می گفت، عده ای توده ای و فدائی در آن استان، بازی طرفداری از رئیس جمهوری و مخالفت از رئیس جمهوری را در آورده اند، یعنی عده ای از آنها نقش طرفدار را بازی میکنند و عده ای هم نقش مخالف. اینها در دستگاه - اسلامی - ۱۵ آذر ۵۹)

## "القاء ایدئولوژی" و "خطر حزب توده"

"روشی که اینها برای القاء ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آنهارنگ ایدئولوژی که مال خودشان نیست و به اصطلاح غالب است را به خودشان می دهند و می روند توی آن خط. بعد یک هماهنگی بین آنها می کنند که ایدئولوژی مارکسیستی مطابق میل ایدئولوژی روس را تبلیغ می کنند با اینها که قدرت روس را تبلیغ می کنند بر جامعه را پذیرفته اند و وجود می آورند. اینها که ایدئولوژی مارکسیستی متناسب با قدرت بر قدرت روس را دارند تبلیغ می کنند خودشان را می کنند. پایه پای آنها، آنها که در رنگ و لباس دیگر مشغولند هم با



در جلسه علنی هفته گذشته مجلس :

# تصفیه لیبرال ها، سازشکاران و پیروان خط بنی صدر از ادارات و ارگانهای انقلابی خواسته شد

- کابینه جدید به مجلس معرفی شد
- سلطنت طلبان، ساوا کیان، وابستگان دربان، جاسوسان امپریالیسم، سرمایه داران و مالکان بزرگ دشمنان عریان انقلاب
- بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند
- حجج اسلام رفسنجانی و خوئیینی ها به همراه ۱۳ نماینده مجلس شورای اسلامی در کنفرانس بین المجالس در هاوانا شرکت می کنند.

در جلسات هفته گذشته مجلس شورای اسلامی، نمایندگان بازم خواستار اجرای بند "ح" و ملی کردن تجارت خارجی شدند. در این جلسات که طی آن لایحه اراضی شهری و چند لایحه دیگر به تصویب رسید درباره خطر حضور لیبرال ها و پیروان خط بنی صدر در بسیاری از ادارات و ارگان های انقلابی هشدار داده شد و ضرورت تصفیة آنها تاکید شد.

در جلسات هفته گذشته مجلس، دولت ملزم شد برای اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی که بر اساس آن ثروت های نامشروع به صاحبان اصلی یا بیب المال برگردانده می شود، طی ۴ ماه لایحه ای تهیه کند.

در این جلسات ضمن تعیین نمایندگانی که باید در کنفرانس بین المجالس در هاوانا شرکت کنند، نمایندگان خواستار فشرده شدن دست های دوستی شدند که در داخل و خارج کشور به سوی انقلاب ایران دراز شده است.

در اولین جلسه علنی هفته گذشته که روز یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۶۰ به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، طرح قانونی اراضی شهری به تصویب نهایی رسید.

پیش از ورود در دستور، علی اصغر باغانی نماینده سرور به عنوان اولین ناطق پیش از دستور، درباره مسائل مختلف مملکتی و حیاتی های ملی سخن گفت. وی از جمله به "جراغ سر نشان دادن دولت موقت به قدرت شیطانی آمریکا" و امید آمریکا به انحراف انقلاب توسط دولت موقت و سپس بنی صدر اشاره کرد.

پرویز ملک پور نماینده زرتشتیان، دومین ناطق پیش از دستور بود. وی ابتدا یادآور شد: "انقلاب هم چنانکه بهر انقلاب بارها تاکید کرده است، معنی به همه مردم است و هیچکس حق ندارد به خاطر استیلا خود از ادامه راه انقلاب، دیگران را عریان انقلابی بداند. نماینده انقلاب و دشمنان جمهوری اسلامی در آن طرف خط و در برابر فرار دارند و بقیه نباید جز با حث و منطق رویاروی هم قرار گیرند. این ضرورت انقلاب و سرطند او و تعمیق آن است. وی "سلطنت طلبان، ساواکیها، وابستگان دربار، جاسوسان امپریالیسم و سرمایه داران و مالکان بزرگ" را "دشمنان عریان انقلاب" دانست که حامی همه آنها امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است. ناطق آنگاه بوظیفه های آمریکا و باران آرزوهای او را بر سر مرد و بنست به خوشامیاری و بی توجهی به استیلا خود مستولین هشدار داد.

وی سپس فرمود: "جهت گیری کجایی همچون امپریالیسم و غیره را غافل، غلط زاده و مبدع و پستی و پستی و دیگران در اولی حکومت نیست. انقلاب راه ما نیست. چه سندی که می صدر نوشت خود را به عنوان یک فرمان خاور و بحسین رئیس جمهور کشور انقلابی ماسود آنچه شد که سواستیم محوم هواپماها و هلی کوپتر های آمریکایی را به طس بقیمیم؟ چه سندی که مدارک موجود در این هلی کوپترها همراه باجان پاک رئیس پاسداران بر دایم های خودمان از بین رفت؟ جهت که ناحیه آگاهی هایی که داشتیم و با همه هشدارهای سازمانهای انقلابی، خود را آماده دفاع در برابر هجوم زهرناهنه صدام نکردیم؟ دانشان هویزه و کم و کیف آن کدام است؟... و هزاران سوال دیگر. وی افزود: "اگر نشنیدیم و درباره همه آنها با دقت مطالعه نکنیم و ریشه ها را پیدا نکنیم، نمی توانیم امید این را داشته باشیم که دیگر از این حوادث در آینده پیش نیاید."

نماینده زرتشتیان در بخش دیگری از سخنان ضمن تاکید بر لزوم قاطعیت در برابر صدامت و تروریست ها در مورد خشم و انتقام جویی و عصیت "هشدار داد. وی همچنین خواستار ارشاد و راهنمایی "قریب خوردگانی که در دام صدامت و انقلاب اند" شد و تاکید کرد: "ناید فریب خوردگان جوان و افراد خام بی تجربه را با سازمان و استه و جنایتکار آسپاه یک چوب براند. ناطق افزود: "ضد انقلاب عریان یعنی ساواکی ها و سلطنت طلبان و سرمایه داران و بزرگ مالکان، نه خانه تیمی دارند و نه با ساکی بر از اعلامیه بردوش خود بیرون می آیند. ارتباطات و نوظیفه های آنها خیلی مدرن تر از اینهاست. نماینده زرتشتیان خواستار ملی کردن بازرگانی خارجی و اجرای بلاد رنگ بندی های "ج" و "د" اصلاحات ارضی و نیز اجرای طب ملی و بازگشائی دانشگاه ها شد و آنگاه گفت: "در کنار اینها، در داخل و خارج مملکت، دست های دوستی را بفشاریم و از دشمنان بی نقاب و با نقاب دل بکنیم. به خواست های اقلیت های مذهبی و به توقعات درست

ملیت های گوناگون با سه صدر بیشتری توجه کنیم جلوی باندهای فاجاق و دزدی و فساد را که بسیاری ناشی از آزادی افغان های فراری از کشورشان است بگیریم.

پس از سخنان نماینده زرتشتیان، حجت الاسلام محمد علی موحدی کرمانی نماینده کرمان توضیحاتی درباره خسارات ناشی از زلزله اخیر کرمان داد و خواستار رسیدگی بیشتر و حدیتره ویژه به توجه به نژد یکی زمستان شد.

پس از سخنان ناطقین پیش از دستور رئیس مجلس درباره وقایع جاری کشور توضیحاتی داد. آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث درباره طرح اراضی شهری ادامه یافت. پس از بررسی مواد باقی مانده درباره کل طرح رای گیری به عمل آمد که با اکثریت قاطع به تصویب رسید. پس از آن نمایندگان به بحث درباره اصلاح "طرح قانونی الحاق دادگاه های انقلاب به دادگستری پرداختند که به دلیل اتمام وقت ادامه آن به جلسه بعد موکول شد.

## سازشکاران در انقلاب ما جانی ندارند

در جلسه علنی روز دوشنبه ۱۹ مرداد که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، استادمترقی محمودی نماینده قصر شیرین که در جامعه ۷ تیر مجروح شده بود سخن گفت. وی در بخشی از سخنانش خطاب به آمریکا و فرانسه تاکید کرد: "انقلاب پر شکوه اسلامی ایران با فرار شاه و اختیار واویسی و از هاری و مدنی و نزیه و رجوی و بنی صدر، و فرار سایر همدستان خود فروخته آنان که هنوز فرار نکرده اند و شاید در آینده نزدیکی به آنان بپیوندند شکست نخواهد خورد."

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: "آیا آنکه با افتخار و آب و تاب مقاله "کی باید بود" را دوبار در روزنامه و یکبار بصورت اعلامیه چاپ و پخش کردند. آیا فهمیده اند چه کسی باید برود و چه کسی و چه خطی در واقع رفته است و باید ریشه کن شود؟" وی افزود: "این سازشکاران باید بدانند که در میان انقلاب ما و در اندیشه آگاه امت اسلامی نه تنها پایگاهی ندارند بلکه آنان را بزرگترین عامل خط انحراف در جهت سازش می دانند. "ناطق سپس ضمن برآز تاسف از باقی ماندن "خط منحرف ضد انقلابی بنی صدر آمریکا و لیبرال ها" در بسیاری از ادارات و ارگان های انقلابی و نیروهای مسلح، خواستار تصفیة هر چه سریعتر آنان شد.

پس از آن محمد مهدی جعفری نماینده بوشهر سخن گفت و آنگاه مجلس وارد دستور شد.

در این جلسه مراسم تحلیف ۳ نفر از نمایندگان به عمل آمد و قانون الحاق دادگاه های انقلاب به دادگستری پس از اصلاحاتی به تصویب رسید. همچنین پس از توضیحات دکتر ولایتی درباره کنفرانس بین المجالس که اجلاس آتی آن در هاوانا پایتخت کوبا برگزار می شود، اسامی ده نفر از نمایندگان که برای شرکت در این اجلاس انتخاب شده اند به شرح زیر قرائت گردید:

آقایان: هاشمی رفسنجانی، پرورش، موسوی-خوئیینی ها، خاتمی، امامی گاشانی، مهاجرانی، الویری، بشارتی، اقامحمدی، دکترهادی. در این کنفرانس از سوی ایران ۱۵ نماینده می توانند شرکت کنند که انتخاب ۵ نماینده باقی مانده به یک جلسه غیر رسمی غیر علنی موکول شد.

## در جهان دو خط وجود دارد: مستضعفین و مستکبرین

در جلسه علنی روز سه شنبه ۲۰ مرداد مجلس که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، دولت ملزم شد طرف حداکثر ۴ ماه لایحه قانونی مربوط به اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی را تهیه و به مجلس تقدیم کند.

اولین سخنران این جلسه، دکتر جواد شیرازیان نماینده مردم قاشمشهر بود. وی در بخشی از سخنانش تاکید کرد: "در جهان دو خط وجود دارد یکی خط مستضعفین و دیگری خط مستکبرین، چون استکبار بسرکردگی آمریکایی جهان خوار و استعمار وابسته به آن و اسرائیل دست در دست یکدیگر داده اند تا کشورهای ضعیف را به کمک یکدیگر بیلغند. " وی

با اشاره به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گفت: "استکبار جهانی معتقد است که بر هر یک از طرفین محاصمه ضررهای جبران ناپذیر جانی و مالی برسد به نفع آنهاست و سرمایه دارهای فرورونده اسلحه نیز پول هنگفتی به جیب خواهند زد. " وی در پایان سخنانش با اشاره به ترور و نفر از پاسداران در چند کیلومتری قاشمشهر از زاندار مری خواست که با جدیت بیشتری امنیت راهها را بعهده بگیرد.

سپس دکتر خلیلی نماینده بافت درباره "حرقه پزشکی و مسائل مربوط به آن سخن گفت. آخرین سخنران پیش از دستور این جلسه حجت الاسلام شجونی نماینده کرج بود که مصائب فعلی کشور را ناشی از حاکمیت رفرمیست ها و لیبرال ها دانست. وی در بخش دیگری از سخنانش توضیحاتی درباره "بنیاد مستضعفان" داد. پس از سخنان پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد و طرح الزام دولت جهت تهیه و پیاده کردن اصل ۴۹ قانون اساسی در مدت ۴ ماه مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. در این جلسه همچنین لایحه "اجازه تعیین نرخ برق برای مصارف خانگی، صنعتی و کشاورزی پس از بحث و بررسی به تصویب نهایی رسید. بر اساس این لایحه مصرف برق خانگی تا ۴۰ کیلووات در ماه مجانی شد. در پایان این جلسه، نام ۴ نماینده دیگر شرکت کننده در کنفرانس بین المجالس به اسامی آقایان علی اکبر ولایتی، مجید انصاری، غلامعباس زائری و سرگن بیات و شانا اعلام شد.

## ملی کردن توزیع مایحتاج عمومی

جلسه علنی روز چهارشنبه ۲۱ مرداد مجلس به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. اولین ناطق پیش از دستور صباح زنگنه نماینده شیراز بود که توضیحاتی درباره سفرش به ایرلند شمالی داد. دومین ناطق پیش از دستور یوسفی اشکوری نماینده تنکابن و رامسر بود. وی با تاکید بر اینکه "مسئله همچنان جنگ است" خواستار برنامه ریزی اساسی برای خود کفائی صنعتی و کشاورزی و نیز بازگشائی هر چه سریعتر دانشگاه ها شد. وی برآز امیدواری کرد که اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی که طبق مصوبه مجلس دولت ملزم به اجرای آنست توسط دولت دکتر باهنر به اجرا درآید.

ناطق سپس گفت: برای قطع دست واسطه ها از معاملات و امور اقتصادی فقط ملی کردن تجارت خارجی کافی نیست، بلکه توزیع مایحتاج عمومی هم

باید بر اساس قانون اساسی ملی شود و به صورت تعاونیهای توزیع یا تعاونی های دولتی کالاها به دست مردم برسد. وی همچنین بر لزوم کوتاه کردن دست سودجویانی که تحت عنوان تجارت اسلامی خون مردم را می مکند" تاکید کرد. آنگاه نماینده تنکابن و رامسر برای پیشرفت امور کشاورزی پیشنهادهایی ارائه داد. وی در زمینه سیاست خارجی خواستار تصفیة فعال کردن سفارت خانه ها و همکاری هر چه بیشتر با نهضت های آزادی بخش و کشورهای ضدا امپریالیست مسلمان شد.

وی سپس از مسئولین قضائی خواست که نسبت به "ضد انقلاب و سلطنت طلبان و جاسوسان بیگانه، و سرمایه داران غارتگر و احتکارگران" و نیز همه کسانی که مسلحانه و غیر مسلحانه در صدد براندازی جمهوری اسلامی هستند" با قاطعیت عمل کنند. ناطق همچنین خواستار "رعایت کامل حقوق انسانی و قانونی همه افراد" و رسیدگی به وضع بازداشت شدگان" و "بوجود آوردن امکانات لازم جهت بازگشت فریب خورده ها" شد. وی از دادستانی انقلاب خواست که برای جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب درباره احکام صادره از دادگاه های انقلاب به مردم توضیح کافی داده شود.

پس از آن رئیس مجلس تذکراتی داد و آن گاه مجلس وارد دستور شد.

در این جلسه اعتبارنامه ۱ نفر از نمایندگان که اخیرا انتخاب شده اند به تصویب رسید. همچنین پرونده انتخاباتی نماینده تبریز که در شعبه مربوطه رد شده بود، برای رسیدگی بیشتر به کمیسیون تحقیق ارجاع گردید.

در آخرین جلسه هفته گذشته مجلس شورای اسلامی، "لایحه بازسازی نیروی انسانی وزارت خانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت" که به تصویب کمیسیون مشترک کار و امور اداری و استخدامی رسیده بود مطرح و کلیات آن به تصویب رسید.

## اسامی اعضای کابینه اعلام شد

در پایان جلسه پنجشنبه مجلس شورای اسلامی، اعضای کابینه جدید توسط نامه نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی معرفی شدند. اسامی اعضای کابینه آقای دکتر باهنر، عبارتند از:

- ۱- وزارت آموزش و پرورش: علی اکبر پرورش
- ۲- وزارت کشور: حجت الاسلام مهدوی کنی
- ۳- وزارت فرهنگ و آموزش عالی: دکتر محمد علی نجفی
- ۴- وزیر مشاور در امور اجرایی: مهندس بهزاد نبوی
- ۵- وزارت نفت: مهندس محمد غرضی
- ۶- وزارت اقتصاد و دارائی: دکتر حسین نمازی
- ۷- وزارت دفاع: سرهنگ سید موسی نامجو
- ۸- وزارت مسکن و شهرسازی: مهندس محمد شهاب گنابادی
- ۹- وزارت دادگستری: سید محمد اصغری
- ۱۰- وزارت امور خارجه: مهندس میر حسین موسوی خامنه
- ۱۱- وزیر مشاور و سرپرست صنایع فولاد: مهندس حسین موسویان
- ۱۲- وزارت صنایع و معادن: مهندس مصطفی هاشمی
- ۱۳- وزارت راه: مهندس سید حسین تاجگردان
- ۱۴- وزارت بهداشت: دکتر هادی منافی
- ۱۵- وزارت ارشاد اسلامی: عبدالمجید معادخواه
- ۱۶- وزارت نیرو: مهندس منصور شهیدی
- ۱۷- وزارت پست و تلگراف و تلفن: مهندس مرتضی نبوی
- ۱۸- وزیر مشاور و رئیس سازمان بهزیستی: دکتر محمود روحانی
- ۱۹- وزارت بازرگانی: حبیب اله عسکر اولادی مسلمان
- ۲۰- وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه: دکتر محمد تقی بانکی
- ۲۱- وزارت کشاورزی: محمد سلامتی
- ۲۲- وزارت کار: محمد میر محمد صادقی



در شناخت امپریالیسم معاصر (۱۱)

ویژگیهای کارکرد قانون اضافه ارزش در چارچوب سرمایه داری جدید

۱- ماهیت سود انحصاری

حاشیتهی سلطه انحصارات به جای رقابت آزاد و تحول سرمایه داری انحصاری به سرمایه داری انحصاری دولتی تا تیسر فواین اقتصادی سرمایه داری را زایل نمی سازند. آنها فقط شکل های کارکرد این فواین را تغییر می دهند. قانون اضافه ارزش قانون اساسی اقتصادی شکل بندی سرمایه داری است. قانون مذکور در همه مراحل رشد شیوه تولید سرمایه داری عمل می کند.

تفاوت بین اضافه سود دوره رقابت آزاد و اضافه سود دوره رقابت آزاد

می دانیم که اضافه ارزش به شکل معبر یعنی به شکل سود وارد عمل می شود. حسوحی حد اکثر سود از ویژگیهای سرمایه داری است. هر سرمایه داری می کوشد تا آنجا که ممکن است سود بیشتری به جنگ آورد. با وجود این در عصر سرمایه داری مافیل انحصاری، رقابت آزاد موجب می-گردد که سرمایه های مساوی در شاخه های مختلف تقریباً به نرخ سود مساوی برسند. برخی سرمایه داران از راه نوسازی تکنیک و استفاده از اسلوب های جدید استثمار کار مزدوری ارزش فردی کالاهای ساخته شده را نسبت به ارزش اجتماعی آن کاهش می دادند و بدین سان یک اضافه سود یعنی یک مارا دست به متوسط به دست می آورد. با وجود این، رقابت امکان نمی داد که این اضافه سود در مدت طولانی محفوظ بماند.

این وضع در شرایط امپریالیسم به کلی تغییر یافت. انحصارات که در تولید

و گردش پول مواضع مسلط کسب کرده اند؛ همواره اضافه سود ویژه، اضافه سود انحصاری بدست می آورند، این اضافه سود از جهت این که محصول سلطه و استثمار انحصارات در صنعت و دیگر قلمروهای اقتصاد سرمایه داری است، اضافه سود عادی متمایز می باشد. انحصارات برای کسب این سود هم از اسلوب های قدیمی استثمار سرمایه داری و هم از اسلوب های جدید امپریالیستی سود می جویند. اضافه سود عادی بخشی از اضافه ارزش است و محصول اضافه کار کارگران می باشد. اضافه سود انحصاری تنها به اضافه ارزش موسسات انحصارات محدود نمی شود. در این اضافه سود بخشی از اضافه ارزش موسسات غیر انحصاری، بخشی از ارزش نیروی کار و همچنین بخش مهمی از ارزش ایجاد شده تولید کنندگان کوچک کشور مفروض، و کشورهای دیگر، مخصوصاً کشور های در راه رشد وجود دارد.

هنگامی که انحصارات به نوسازی تکنیک موسسات خود مبادرت می کنند، با گر بردن اضافه سود عادی بدست آوردند. با این همه سود مذکور بر نتایج انحصارات قرار دارد، زیرا اغلب بیروان های فنون جدید و همچنین تکنسین ها و نیروی کار بسیار آموزش یافته در دست انحصارات متمرکزند. رفیقان هیچ امکان ندارند که از دستاوردهای علوم و فنون صرفاً برای موسسات خاص خود استفاده کنند. به این دلیل انحصارات اضافه سود عادی را محصور به خود می سازند و در حقیقت سود مذکور به امتیاز آنها بدل می گردد و به اضافه سود انحصاری تغییر شکل می یابد.

به موهبت قیمت انحصاری می توان بدون نوسازی تکنیک و حتی با جلوگیری

از پیشرفت فنون به اضافه سود انحصاری دست یافت. برخی سرمایه داران- منفرد می توانند اضافه سود عادی کسب کنند، حال آنکه اضافه سود انحصاری تنها به انحصارات تعلق دارد. اضافه سود عادی خصی کذا و فرعی دارد در صورتی که اضافه سود انحصاری از ثبات سبازریادی برخوردار است.

بطور کلی سود مذکور از سود متوسط و اضافه سود انحصاری تشکیل می شود. انحصارات جامعه بورژوازی صرفاً از این که متعلق به کدام سرمایه دار باشد از سرمایه خود یک سود متوسط و نیز عنوان انحصاریک اضافه سود انحصاری بدست می آورند.

مضمون اقتصادی سود انحصاری

سلطه انحصارات چه تاثری بر سود متوسط دارد و چگونه شکل بندی آن تغییر یافته است؟

سلطه انحصاری، سلطه مشتری از انحصارات بزرگ بر مجموع زندگی اقتصادی، سیاسی واید کولوژیک جامعه سرمایه داری است. بنابراین نمی توان سود انحصاری را در کنار سود صنعتی یا بازرگانی، سود سهام یا بهره شکلی جدا از اضافه ارزش تلقی کرد. سود انحصاری شکل بصری و مرکب درآمد انحصاری است که به موهبت استثمار تمام قشرهای زحمتکشان دنیای سرمایه داری در همه قلمروهای زندگی اقتصادی بدست می آید. سود انحصاری از سلطه سرمایه انحصاری بر بخش غیر انحصاری اقتصاد، از انقباض و استفاده از تولید کوچک پر اکند و استثمار

کشورهای کم رشد شبکه می شود. از حیث کیفی سود عالی انحصاری شکلی از اقتصاد است که در لوای آن سلطه انحصارات تحقق می یابد. از حیث کمی سود مذکور همواره زیاد تر از سود عادی بورژوازی غیر انحصاری است.

سود انحصاری با تگر بر عری روابط تولید در عصر امپریالیسم است. در چارچوب سرمایه داری مافیل انحصاری، سود متوسط روابط تولید مجموع طبقه سرمایه داران و طبقه کارگران مزدبگیر و همچنین روابط بین خود سرمایه داران را که برای کسب مقدار زیادتری از حجم کلی اضافه ارزش مبارزه می کردند، منعکس

می نمود. سود عالی انحصاری روابط تولید بین بورژوازی انحصاری از یک سو و مجموع طبقه کارگر و تولید کنندگان کشور مفروض و زحمتکشان کشورهای کم رشد اقتصادی از سوی دیگر، روابط میان بورژوازی انحصاری و غیر انحصاری و همچنین روابط میان خود انحصارات را در مبارزه برای کسب سهم زیادتری از حجم کلی سود منعکس می سازد.

اقتصاد دانان بورژوازی فرمست ها ماهیت استثمار گرانه کلی انحصارات را نشان می کنند. آنها ساله سود انحصاری را مسکوت می گذارند و خود آن را به سادگی انکار می کنند. آنها غالباً سود انحصاری

را به عنوان اضافه سود عادی که بر عم ثن مولود پیشرفت فنی در موسسات بزرگ است و نمود می سازد. از این رو، برای خوشایند بورژوازی انحصاری عالما و عا مدا ماهیت سود انحصاری و مضمون طبقاتی آن را دگرگون جلوه می دهند.

بمناسبت ۳۵مین سالگرد استقلال پاکستان

گسترش جنبش پیکار در راه دموکراسی در پاکستان

بشکفته، آزادی فوری همه میهن دوستان پاکستان را، که در سیاه چالهای آن کشور سیر می برند، می-طلبند. از جمله زندانیان سیاسی پاکستان، می توان از حام سابق و جمال نقوی، مطهر علی خان، یگم صرت بوتو و س. ر. اسلام نام برد. پیکار نیروهای مترقی پاکستان برای حقوق دموکراتیک، صلح ورهائی کشور از بند امپریالیسم از پیشینیانی هر چه بیشتر مردم پاکستان برخوردار می شود. مردم پاکستان از پیکار جانباخته نیروهای دموکراتیک با احترام و همدردی فراوان یاد می کنند در این زمینه، بویژه از شش عضو " حزب کمونیست پاکستان " یاد می شود که بیش از سه ماه پیش، هنگامی که رایبندگان یک هواپیمای شرکت هواپیمایی پاکستان، با اقدام خود مقامات را به آزاد ساختن برخی از زندانیان سیاسی مجبور ساختند، از ترک زندان خودداری ورزیدند. این تصمیم شجاعانه همدردی مردم را " خنشین در راه استقرار دموکراسی " دو چندان کرده است.

مردم پاکستان هر چه بیشتر مبارزه خود را در راه حقوق دموکراتیک و علیه خود کما مکی نهاد - های قدرت گسترش می بخشند. چندی پیش رهبری " جنبش در راه استقرار دموکراسی "، که هشت حزب ممنوع پاکستان را در بر می گیرد، در بیانیه ای خواستار آن شد که، در آن کشور بیدریگ انتخابات پارلمانی برگزار، حکومت نظامی ملغی و حقوق شهروندان تضمین شود و زندانیان سیاسی آزاد گردند.

از سوی دیگر، " حزب کمونیست پاکستان " نیز، در اعلامیه ای خطاب به مردم پاکستان و افکار عمومی جهان باز داشت هزاران دمکرات و ترورو اختناق حاکم را محکوم ساخت، که رژیم ضیاء الحق به کمک آن میکوشد تا مقاومت خلق را در برابر نظامیان و علیه وابستگی فزاینده به امپریالیسم و برتری جویان چین درهم شکند.

" حزب کمونیست پاکستان "، در اعلامیه

من دیدم که داس و جگش سخت در کار است، و اتحاد به برندی الماس می شود.

من دیدم که جهان نو کهنه را فتح می کند، و میوه های شاخساران چون پرتو ستارگان در تاریک روشن سپیده دمان

و خوشه ها، این تاج های طلائی، به تود ههانا روزانه شان را پیشکش می کنند.

من دیدم که روزهای آن جوانمرد بر روی زمین بر آورده می شود و امیدش به واقعیت می پیوندد؛ هر چه بنا بر راست، آن را طرد می کنم. هر کس به مردمان به دیده برادر ننگرد، او را طرد می کنم.

بگردان از هوشنگ شیرزاد

بیرون از حصارها، نوسازی سرزمین مادری را آغاز می کنی، در بدخشان، هرات و قندهار.

و بهار سراسرزمین را شخم می زند

ومن، سرانجام، دهقانان سرزمین را آزاد دیدم که در سحرگاهان به زمین تعظیم می برند، چونان نماز گزار بر سجاده.

بر زمین باستانی خویش، بر زمینی که دوباره می-زاید،

من دهقانان را دیدم که به تازگی زمین شان داده اند، و با تفنگی در دست، روی پرچین ها خمد شده اند و محصول گرانبهای خود را از دست های بیگانه پاس می دارند، و می رانند غریبه هائی را که مزارع شان را ویران می کنند.

از ذره های سنگی تافضای آزاد عطر آگین

اشاره

خلق خود را با رد دیگر به دست آورده اند. این روزها، اگر چه آسمان بر فراز دره ها و آکنده های افغانستان پوشیده از بوی خون و دواروت است، ولی گل های امید و پیروزی از زیر آوار روستاها سر بر می آورند و برگزور شهیدان شکوفه های نامباراز می شود.

دشمنان دنیای جدید - بدکاران حامی خشونت و جنگ - هنوز می کوشند بقایای خرد شده دژهای یک نظام بوسیده اجتماعی را حفظ کنند. نبرد بین کهنه و نو بین همه طبقات جامعه ما را یافته است. مردم با سرعت شگفت انگیزی اوضاع سیاسی را در ک می کنند. آگاهی سیاسی به میان عقب مانده ترین نوده های خلق راه یاز می-کند. روابط نوین در جامعه چون آینه ای، زوایای آنچه را که برای آزادی مردم حیاتی و نواست، در خود منعکس می کند. این روشن است که ارزش های فرهنگی و قومی برای نودن چه بسا با یدارزاه- های ناپیموده بگذرند. این امر در کشور ما هم مکن است. و این عشق به پیشرفت و تلاش برای پیروزی است که به ما برای خلق آثار نواله ام می-دهد. آنها که با انقلاب آوریل دوباره متولد شده- اند، قدر اشکها و گلپهائی را، که از میان آتش و خون شگفته اند، می دانند. زندگی در عشق و رنج، درد و لذت، شادمانی و غم میجو شد و مردم قهرمان ما با مارش پیروزی از دره های تنگ سنگی به فضای آزاد عطر آگین رهبری می کنند.

زنده باد اندیشه های ابدی لنین، رهبر جاودانی بشریت!

جاری باد دوستی و برادری انقلابی مردم ما و شمایر همیشه، بیشتر از پیش!

درد به همه، شما - پیشگامان راه سرخ شادمانی!

انقلاب آوریل شعری از مؤمن حانوت شاعر تاجیک

انقلاب، چون عدالت و حقیقت شگفت در سراسر زمین، در خوشه های گندم که در مزارع می روید، در خرمن های حیوانات، در دستهای زحمتکشان که چون پرچم در اهتزاز است، و در نگاه های مغروری که به آسمان می نگرند، انقلاب را ببین!

دو خلق افغان و تاجیک، به ساعقه تاریخ مشترک طولانی، با هم پیوندهای تنگاتنگ و ناگسستی دارند. این پیوند بعد از استقرار دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان پیوسته استوار و استوارتر شده است. خلق افغان، بعد از انقلاب آوریل، این فرصت را بدست آورده که با استفاده از آزادی ناشی از استقرار حاکمیت انقلابی، روابط خود را با خلق تاجیک گسترده-تر کند. هر دو خلق امکان یافته اند که بر بنیاد ریشه-های تاریخی مشترک، به ویژه در زبان و فرهنگ، به عنای زندگی معنوی یکدیگر باری برسانند.

بخش کوچکی از این رابطه شکوهمند - فطره ای از دریا - در نامه و شعری که در زیر آمده منعکس است. سلیمان لایق، میهن دوست مبارزو شاعر ارجمند افغانی، که به دلیل مخالفتش با باند تبهکار حفیظ الهامین، مدت ها در زندان بل چرخ بود و با تحمل شکنجه های فزون وسطانی به آرمان خلق پشت نکرد، بعد از رهائی از زندان، نامه ای برای مومن حانوت، شاعر سرشناس تاجیک نگاشته است. در این نامه، در کم ترین خطوط، آنچه بر خلق افغان و هنرمندان آن گذشته و آینده، تا بنکی که فراروی آنهاست، تصویر شده است. در پاسخ این نامه، شاعر تاجیک شعری را، که درباره انقلاب افغانستان سروده، برای دوست افغانی خود فرستاده است.

نامه ای از سلیمان لایق شاعر مبارز افغانی به مومن حانوت شاعر تاجیک

رفیق عزیز، مومن حانوت! اجازه بدهد صمیمانه ترین تشکراتم را به خاطر مهربانی ات و کلمات رفیقانه ای که درباره من به کار برده ای به تو تقدیم کنم.

بعد از گذراندن یک سال در اسارت امین قصاب ورهائی از شکنجه های مرگ آور زندان، من دوباره آسمان بی روشن را، که از فراز وطن من تافق دوردست دامن کشیده، می بینم.

بعد از سقوط دیکتاتوری امین و سرنگونی باند فاشیست او، هنرمندان، شاعران و هنرمند ریشه-گان - آنها که صدای روح مردم هستند - آزادی



# جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی "دژهای مستحکمی را در السالوادور به تصرف خود در آورده است"

تس ماه پس از تعرض نظامی وسیع "جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی" سرود در السالوادور با شدتی بیسار پیش ادامه دارد. هر چند تاکنون دو آرمه، سرکرده "خونتا" یوسته نگرانی کند که نظامیان سرکش را بر کنترل کامل خود در آورده اند. اما حتی در درگیری های روزمره برسانی دیگر سخن می گوید. بریاه همه گزارش های رسیده متوازن گفت که در حالیکه سالوادور، پایتخت السالوادور، از نظر نظامی زیر کنترل ساهیان "خونتا" قرار دارد، نیروهای مسلح آزادیبخش دارای مواضع مستحکمی در روستاها، بویژه در مناطق مرزی السالوادور - هندوراس هستند.

سرگوبگران "خونتا" و گردان های سه - نظامی ترور خویش را با وحشیگری هر چه بیشتر ادامه میدهند. نیروهای مسلح آزادیبخش، پس از پایان تعرضی - بهمین ۱۳۵۹ خود، ارسپه - هایی که به تصرف خویش در آورده بودند، عقب -

سستی کردند. این تعرض، که تنهاس از وحدت همه سازمان های مقاومت مسلحانه در سال پیش ممکن شد، دودهد داشت: جلوگیری از مداخله امیرالیستی و حلت همبستگی فرایند - بین - المللی بایگنار مردم السالوادور در راه آزادی ملی و اجتماعی. شفق خورخه هندل، عضو ستاد عالی فرماندهی "اف. ام. ال. ان." ("جبهه" آزادیبخش ملی فارابوندومارتی) چندی پیش درباره نتایج تعرض با مبرده چنین گفت:

"ما معتقد بودیم که هدف از اقدام ماهنوز نموناد سرنگونی دیکتاتوری باشد. طول تعرض زانویه با نیروی سبایی سنگی دارد به مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا در امور داخلی السالوادور و بیطرفی های روند اتحاد همه مخالفان دیکتاتوری، بویژه میان میهن دوست اکون در السالوادور اوضاع چگونه است؟ مداخلات ایالات متحده آمریکا در السالوادور به اباعادی رسیده است که از مداخله

۱۶ سال پیش این کشور در جمهوری دومینیک تابه امروز، بی سابقه است. واگذاری هلیکوپترهای جنگنده و کسب مشاوران نظامی ایالات متحده آمریکا، از جمله "بره سرهای سپاه ویژه"، نیرو - های صلح "خونتا" را توان بسیار خستیده است. تنها حاشیای نیروهای مسلح آزادیبخش خلق سب شده است، که نیروهای "خونتا" به برتری چشمگیری دست نیاند. در اینجا یادآور می گردیم که نیروهای مسلح آزادیبخش در پایان تعرضی - بهمین خود به توافقی هائی با حناح اصلاح طلبی در ارتش، به نام "خوونود میلیتار"، دست یافتند. وضع کونی السالوادور از نظر کیفی در مرحله جدیدی قرار دارد، چه از نظر غیر نظامی مقاومت، یعنی "جبهه دمکراتیک انقلابی" اعلام کرده است که با سبای سرد مسلحانه راه حل سیاسی را نیز از نظر دور نمی دارد و آمادگی خویش را برای مذاکرات برار داشته است. پس آمادگی هنگامی اعلام شده که - استگرای افراطی ارتش

در پایان تعرضی - بهمین ۵۹ به خیال خود فرصت را برای "فعل و وضع" "اف. ام. ال. ان." مساعد می دیدند.

تالظه کنونی "خونتا" به این آمادگی پاسخ قابل قبولی نداده است. دو آرمه، که رژیم خود را در خطر سقوط و ناگزیر از اتخاذ موضعی تدافعی میدید، اعلام داشت که گفتگو تنها هنگامی ممکن است، که "جبهه دمکراتیک انقلابی" سلاح را بر زمین گذارد و در حاکم السالوادور به مذاکره تن در دهد. اما میهن دوستان خوب میاد دارند، که بر سرینج رهبران، که یائیز سال پیش برای مذاکره از مکزیک به سان سالوادور آمدند، چه گذشت: هر پنج نفر آنها امروزه در کلیسای جامع پایتخت به خاک سپرده شده اند. رهبران نامبرده را کاسی که نظاره به اصلاح طلبی میکردند و خود را حاشین بورژوازی دیکتاتوری میدانستند، دستگیر کردند و به قتل رساندند. دو آرمه "دمکرات مسیحی" سرکرده این محافل بود.

## جهاد سازندگی ...

بقیه از صفحه ۱

**چگونگی تأسیس جهاد سازندگی**

در اوایل سال ۱۳۵۸ و باز نزدیک شدن تعطلات تاسیساتی، گروهی از دانشجویان معهد و انقلابی در صدد برآمدند که طرحی جهت آغاز تلاش همه جانبه به منظور نو سازی روستاها تدوین کنند. و این طرح با نام "جهاد برای سازندگی روستاها" تدوین شد.

## ج: فعالیت های بهداشتی و درمانی

انقلابی به این نتیجه رسیدند که لازم است تشکیلات جهاد از مدیریت دولتی مجزا گردد و فقط به هماهنگی اطلاعاتی با نهاد - های دولتی تسامت کند.

در راستای این تصمیم، پس از سقوط دولت موقت لبرال، شورای مرکزی جهاد سازندگی، مرکب از نماینده - های امام، نماینده شورای انقلاب و سه نفر از اعضاء منتخب دفتر مرکزی جهاد سازندگی مسئولیت اداره فعالیت های آنرا به عهده گرفت.

## د: فعالیت های فرهنگی

توزیع داروی رایگان در ۱۹۴ روستا، تزیینات و بانسمان ۴۳۰۰۰ نفر درمان رایگان ۱۸۰۰۰ نفر واکسیاسیون ۱۵۰۰ نفر، اعزام گروه پزشکی به ۸۶۸ روستا، آموزش بهداشت ۷۷۷ روستا، آموزش کمک های اولیه ۱۲۵ روستا و بستری کردن ۵۶۲۴ نفر بیمار.

## فعالیت های دیگر

نام برده شده است.

نمایندگان جهاد سازندگی همگام با دیگر اعضاء هیئت های هفت نفری تا قبل از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" وظیفه خود را بحو پیگیری و انقلابی انجام می دادند، لیکن توقف اجرای بندهای فوق در عمل شریختی کار بزرگ هیئت ها را به مقدار زیادی یائین آورد.

## فعالیت های دیگر

فعالیت های دیگر جهاد سازندگی می توان از ایجاد مرکز پژوهش های علمی جهاد، جهاد خارج از کشور و جهاد عشایر (فارس) نام برد.

جهاد عشایر فارس برای عشایر زحمتکش اقداماتی در زمینه های عمرانی و تاسیساتی (آب رسانی، ساختمانی، راه سازی) فرهنگی (ایجاد کتابخانه، نمایش فیلم، برامه، رادیویی) کشاورزی (واگذاری دام، توزیع تفاله چغندر، توزیع دارو، توزیع سم، کت و غیره) انجام می دهد. در زمینه کمک به جبهه ها نیز جهاد عشایر رایاری می دهد.

جهاد خارج از کشور فعالیت های خود را در سه زمینه فرهنگی، تحقیقاتی و تدارکاتی، در ارتباط با نیروهای انقلابی خارج از کشور و جهاد دانشگاهی انجام می دهد.

مرکز پژوهش های علمی جهاد نیز وظایف خود را بر اساس اهداف زیر قرار داده است:

## الف: فعالیت های عمرانی و تاسیساتی

ایجاد حمام ۱۱۲۳ واحد و ۷۶۲ واحد در دست اجرا، مدرسه ۱۵۴۴ واحد و ۸۲۸ واحد در دست اجرا، درمانگاه ۸۷ واحد و ۵۶ واحد در دست اجرا، مسجد ۳۷ واحد و ۱۷۸ واحد در دست اجرا، خانه برای مستضعفین ۱۶۹۵ واحد و تعداد ۲۸۷ واحد در دست اجرا، مع آب ۱۰۲۳ واحد و ۱۴۹ واحد در دست اجرا، پل ۴۲۰۸ دهنه و ۱۰۴۸ دهنه در دست اجرا، توالت بهداشتی ۱۷۹۰ واحد و ۱۵۴ واحد در دست اجرا و غسلخانه ۲۱۴ واحد و ۱۱۸ واحد در دست اجرا. همچنین تعداد ۳۴۴۰۱ واحد حمام، مسجد، درمانگاه، مدرسه، غسلخانه، خانه برای مستضعفین، پل، توالت و منبع آب تعمیر و یا تکمیل شده است.

فعالیت های تاسیساتی نیز عبارتند از: برق رسانی به ۱۰۵۵۵ روستا و ۲۲۰ روستا در دست اجرا، لوله کشی آب در ۸۷۱ روستا و ۶۵۷ روستا در دست اجرا، سد خاکی و سیل بند ۱۹ واحد و ۶۸ واحد در دست اجرا، راه شوسه ۴۴۷۴ کیلومتر و ۲۵۲۸ کیلومتر در دست اجرا، راه روستایی ۸۷۳۵ کیلومتر و ۱۴۰۳ کیلومتر در دست اجرا، نهر - سازی و کانال کشی ۲۰۲۸ کیلومتر و ۱۵۶۴ کیلومتر در دست اجرا.

## ب: فعالیت های کشاورزی

جهاد سازندگی فعالیت های خود را در چهار بخش عمرانی و تاسیساتی، کشاورزی، بهداشتی و درمانی و فرهنگی آغاز کرد.

جهاد سازندگی، بر طبق آمار منتشره، به ناسبت دومین سالگرد انقلاب شکو - همد مردممان، موفق شده است که در چهار بخش فوق، از بدو تاسیس تا ۲۷ دی ماه ۵۹، اقدامات زیر را انجام دهد:

## و

تکمیل کلاسهای ابتدای ۴۱۲۸ مورد، تکمیل کلاس سواد آموزی ۲۵۵۴ مورد ایجاد کتابخانه ۷۲۱۳ واحد، ۶۷۳۹ مورد نمایش فیلم و اسلاید، بر - گزاری سخنرانی ۳۲۶۵ مجلس، تکمیل نمایشگاه ۱۹۱۱ مورد، توزیع کتاب رایگان ۲۳۶۷۰۰۰ جلد و توزیع پوسترو نشریات ۲۸۵۱۰۰۰ عدد.

در این جاذگرتکته مهمی در خصوص دو فعالیت چشمگیر و انقلابی جهاد سازندگی ضروری است:

## جنگ تحمیلی صدامیان

جهاد سازندگی یا آغاز جنگ تحمیلی آمریکایی - صدامی به کشورمان، همگام با همه اقشار و طبقات انقلابی به مصاف با متجاوزان و یاری جبهه ها شتافت، ناطق نوری، نماینده امام در جهاد سازندگی، در این باره گفته است:

## الف - بررسی و شناخت اساسی - ترین نیازهای علمی و صنعتی جامعه انقلابی ایران و کمک به رفع نیازها با سرمایه گذاری های مادی و معنوی برای اجرای طرح های مناسب در جهت ایجاد تکنولوژی ملی جمهوری اسلامی ایران،

ب - همکاری در تعیین موضوعات تحقیقاتی و پژوهش های علمی با دانشگاه ها و مراکز تحقیقات کشور،

ج - ایجاد شرایط مناسب و مشوق برای رشد و شکوفایی استعداد های خلاق و سازنده و تامین امکانات تحقیقاتی و اجرایی در حوزه وظایف مرکز،

د - تهیه و انتشار نشریات و کتب علمی و صنعتی در جهت بالابردن آگاهی - های علمی و فنی جامعه،

ه - تاسیس مراکز آموزشی در جهت طرح های اجرایی مرکز (نقل از روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۳ بهمن ماه ۵۹، صفحه ۹، شماره ۴۹۱)

## جهد سازندگی و دولت موقت لبرال

دولت موقت لبرال با تشکیل نهاد مستقلی بنام جهاد سازندگی موافق نبود لبرالها تمام تلاش خود را می کردند تا این نهاد را که انقلاب شکوهمندمان ضرورت ایجاد آن را اعلام کرده بود، در درون نظام اداری بحامانده از رژیم منقر گذشته بگنجانند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود در سمنار سراسری جهاد سازندگی (اسفندماه ۵۹) در این باره گفت:

"ما می دانیم که دولت موقت می خواست که جهاد جزو ادارات دولتی بشود، ولی برادران و خواهران نمی - خواستند گرفتار نظام کاغذ بازی و اداری شوند.

## ب: فعالیت های کشاورزی

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیر کشت جهاد ۴۴۱۹۱ هکتار، تعمیر ماشین آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه، تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۴۴ واحد، تهیه و واگذاری سائیر ماشین - آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۷۴۷۸۶ کیلو و تهیه و توزیع انواع بندر ۱۳۳۷ تن.

جهاد سازندگی در این مدت تعداد زیادی دام را واکسینه کرده، به افراد آموزش داده و تعداد زیادی دام نیز واگذار کرده است.

## و

یکی از این فعالیت ها تلاش پیگیر جهاد سازندگی در جهت ایجاد شوراهای واقعی و مردمی در روستاها بوده است.

جهاد سازندگی تا ۲۷ دیماه ۵۹ موفق به تشکیل ۲۶۴۴ شورادر روستاها شده است.

یکی از اعضاء شورای مرکزی جهاد سازندگی در این مورد گفته است:

"شورای روستایی یکی از اصلی ترین مسایل روستا می باشد و ما نیز معتقدیم که این مردم هستند که می توانند کارشان را بهتر درک کرده و حل نمایند و این مسئله تنها در شوراهای روستایی شکل می یابد.

برای تشکیل شورادر روستاها جهاد سازندگی فعالیت های چشمگیری داشته و در اکثر استانها برادران جهاد شوراهایی تشکیل داده اند که در ارتباط مستقیم با شورای روستا می باشند و مشکلات روستاها نیز از طریق همین شورادر جهاد منعکس می گردد." (در مصاحبه مطبوعاتی به ناسبت دومین سالگرد انقلاب، نشریه "جهاد"، شماره ۴، نیمه اول اسفند ۵۹، صفحه ۶).

## فعالیت چشمگیر و انقلابی دیگر

جهاد سازندگی، تلاش پیگیر این نهاد انقلابی در جهت تشکیل سازمان ها علیه بزرگ مالکان غارتگر و ضد انقلابی بمنظور احقاق حق این زحمتکش روستا است. و این از ماهیت انقلابی و ضد بزرگ مالکی جهاد سازندگی نشات می گرفت.

## ب: فعالیت های کشاورزی

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیر کشت جهاد ۴۴۱۹۱ هکتار، تعمیر ماشین آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه، تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۴۴ واحد، تهیه و واگذاری سائیر ماشین - آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۷۴۷۸۶ کیلو و تهیه و توزیع انواع بندر ۱۳۳۷ تن.

جهاد سازندگی در این مدت تعداد زیادی دام را واکسینه کرده، به افراد آموزش داده و تعداد زیادی دام نیز واگذار کرده است.

## ب: فعالیت های کشاورزی

باید افزود که در ابتدای فعالیت های جهاد سازندگی توزیع بودجه به دلیل وجود موانع اداری و ضوابط دست و پاگیر دولتی بسیار کند صورت گرفت، بگونه ای که بودجه مصوب ۲۷ خردادماه ۵۸، در برخی از استانها پس از ماهها به دست ستاد جهاد سازندگی رسید.

همچنین در طول فعالیت های جهاد سازندگی برخورد نیروهای داوطلب و انقلابی با مدیریت دولتی، بخش مهمی از انرژی شریخش را به برمی داد. لذا قبل از سقوط دولت موقت لبرال، مسئولین

## قانون اصلاحات ارضی

باتصویب قانون اصلاحات ارضی در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹، جهاد سازندگی یکی از مجریان این قانون شد.

در مواد ۵ و ۷ قانون اصلاحات ارضی از نماینده تام الاختیار جهاد سازندگی بعنوان یکی از اعضاء هیئت های هفت نفری وستاد مرکزی واگذاری زمین

## ب: فعالیت های کشاورزی

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیر کشت جهاد ۴۴۱۹۱ هکتار، تعمیر ماشین آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه، تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۴۴ واحد، تهیه و واگذاری سائیر ماشین - آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۷۴۷۸۶ کیلو و تهیه و توزیع انواع بندر ۱۳۳۷ تن.

جهاد سازندگی در این مدت تعداد زیادی دام را واکسینه کرده، به افراد آموزش داده و تعداد زیادی دام نیز واگذار کرده است.

## ب: فعالیت های کشاورزی

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیر کشت جهاد ۴۴۱۹۱ هکتار، تعمیر ماشین آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه، تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۴۴ واحد، تهیه و واگذاری سائیر ماشین - آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۷۴۷۸۶ کیلو و تهیه و توزیع انواع بندر ۱۳۳۷ تن.

جهاد سازندگی در این مدت تعداد زیادی دام را واکسینه کرده، به افراد آموزش داده و تعداد زیادی دام نیز واگذار کرده است.

## ب: فعالیت های کشاورزی

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیر کشت جهاد ۴۴۱۹۱ هکتار، تعمیر ماشین آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه، تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۴۴ واحد، تهیه و واگذاری سائیر ماشین - آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۷۴۷۸۶ کیلو و تهیه و توزیع انواع بندر ۱۳۳۷ تن.

جهاد سازندگی در این مدت تعداد زیادی دام را واکسینه کرده، به افراد آموزش داده و تعداد زیادی دام نیز واگذار کرده است.



# در اسپانیا خطر کودتای نظامی همچنان باقی است

## مبادا فراموش کنیم...

بقیه از صفحه ۱

محرور پیوسته بیشتر شده است، انقلاب ضد-امپریالیستی، مردمی، و اسلامی ایران می رود که وعده بزرگ و نجعلکم ائمه و نجعلکم الوارثین را در حق مستضعفان به انجام برساند.

ولی کار یک چنین دگرگونی بنیادی رانمی-توان ساده گرفت. راه دراز است و دشوار، و در هر پیچ و گردنه ای راهزنان در کمین. نیروهایی که بهر عنوان با پیشروی انقلاب در راستای رهایی رجمتکشان مخالفت اند هنوز سیرنینداخته اند و اهرم های قدرت اقتصادی، مالی و اداری را آن سان که باید از دست ندادند. از آن گذشته، کارگاه تبلیغات منفی، شایعه سازی و نفاق افکنی شان همچنان در کار است و از سوی بلندگوهای امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع شکست خورده نیز تقویت می شود و تخم نومیدی و کناره گیری و انکار در دل های ناآگاه میپاشد. این همه برای آن نیروهای ثابت قدم انقلاب رانست به هم بدکمان بود خواه سازدو، در مبارزه بر ضد امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و پایگاه داخلی آن - کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی - میان شان جدایی بیفکند. و این خطری است که نگرانی ناشی از آن کام دوستان و جانبازان انقلاب رانلح می دارد. از گذشته باید عبرت گرفت. نباید گذاشت که سرمستی پیروزی ۲۲ بهمن و پیروزیهای پس از آن خاطره در دنانک شکست ۲۸ مرداد را در ماه فراموشی بسپارد.

در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۵۹، کودتای نافرجامی در اسپانیا صورت گرفت که در همان وقت در مطبوعات ایران منعکس شد. برای آشنایی بیشتر با اوضاع این کشور در زیر اطلاعات فشرده ای پیرامون تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن در سالهای اخیر از نظر خوانندگان میگردد.

### نام رسمی: اسپانیا

وسعت: ۵۰۴۷۸۲ کیلومتر مربع

جمعیت: ۳۷/۴ میلیون نفر. بخش عمده جمعیت را اسپانیایی ها تشکیل می دهند. در اسپانیا، فزون بر این، اقلیت های کاتالان، باسک و گالاسیر زندگی می کنند.

پایتخت: مادرید (۳/۳۷ میلیون نفر)

پول: پستا = ۱۰۰ سنتیمو (۹۶۰ ریال = ۱۰۰ پستا)

نظام حکومتی: پادشاهی مشروطه (رئیس حکومت "پادشاه": خوان کارلوس اول). بالا ترین مرجع قانونگذاری عبارتست از: "کورتس" که از "کنگره" و "سنا" تشکیل می شود. "کنگره" (مرکب از ۳۵۰ نماینده) از طرف مردم انتخاب می گردد و در زمینه قانونگذاری و گزینش نخست وزیر دارای اختیار نهائی است. نمایندگان "سنا" را منتخبین استانها و ایالتها و منصوبان شاه تشکیل می دهند. ریاست دولت بانخست وزیر است، که باید از رای اعتماد پارلمان برخوردار باشد. (نخست وزیر کنونی لئوپولدو کالوسوتلو نام دارد، که روز ۴ اسفند ۱۳۵۹ (۲۵ فوریه ۱۹۸۰) به این سمت برگزیده شد.

تقسیم اداری: اسپانیا از ۵ ایالت ترکیب می یابد. این کشور همچنین از نظر تحول تاریخی به ۱۴ "مطقه تاریخی" تقسیم می شود.

نیروهای مسلح: ۳۱۵۵۰۰ نفر (نیروی زمینی: ۲۴۰ هزار نیروی دریایی: ۴۰۰۰۰، نیروی هوایی: ۳۵۵۰۰). علاوه بر این، باید از نیروی شبه نظامی "گاردیاسویل" (ژاندارمری) نام برد، که ۶۵۰۰۰ نفر را در برمی گیرد. در پایگاه های ایالات متحده آمریکا در اسپانیا ۹۰۰۰ نفر مستقر هستند.

### گوشه ای از تاریخ معاصر: ۵۰ سال پیش

(۱۹۳۱) نیروهای دمکراتیک اسپانیا آلفونس سیزدهم را، که یکی از برجسته ترین نمایندگان ارتجاع در کشور بود، سرنگون ساختند و تا سپس جمهوری را اعلام کردند. پنج سال بعد، نیروهای چپ متشکل در "جبهه خلق" در انتخابات پارلمانی پیروز شدند. در ۲۸ تیر ۱۳۱۵ (۱۸ ژوئیه ۱۹۳۶)، ژنرال فرانکو، با کودتای خود، "جنگ خانگی" ۱۳۱۸-۱۳۱۵ (۱۹۳۶-۱۹۳۹)، را برافروخت. ژنرال فرانکو برخوردار از کمک نظامی آشکار رژیم های فاشیستی آلمان و ایتالیا و پشتیبانی مهمترین کشورهای امپریالیستی اروپای باختری، "جمهوری اسپانیا" را در هم شکست و دیکتاتوری فاشیستی را پایه نهاد. در "جنگ خانگی" اسپانیا، ۲۵۰۰۰۰ ضدفاشیست کشورهای دیگر نیز شرکت داشتند.

در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷)، اسپانیایار دیگر رسماً به پادشاهی بازگشت (رئیس حکومت: فرانکو).

در آغاز سالهای ۵۰، جنبش ضدفاشیستی مرکب از نیروهای دمکراتیک، که مجبور بودند در خفا به فعالیت بپردازند، رو به گسترش گذاشت و در نیمه نخست سالهای ۷۰ سرشت توده ای یافت. پس از مرگ فرانکو در پاییز ۱۳۵۴ و تاجگذاری خوان کارلوس اول، مبارزه نیروهای دمکراتیک در راه استقرار آزادیهای دمکراتیک و عفو عمومی برای زندانیان سیاسی ادامه گرفت. حتی ترور پلیسی نیز، که بارها قربانی های فراوانی می طلبید، نتوانست این جنبش را سرکوب کند. از این رو محافل فرمانروای بورژوازی هر چه بیشتر به این واقعیت پی می بردند که صلاح ادامه سیادت آنهاست که دمکراسی بورژوازی جانشین دیکتاتوری فاشیستی گردد. بدین ترتیب، آریاس ناوارو، که در اواخر عمر فرانکو نخست وزیر اسپانیا بود در ۱۳۵۵ (۱ ژوئیه ۱۹۷۶) استعفا داد و آدولفو سوارز گونزالس جانشین او شد. با روی کار آمدن سوارز، برخی از احزاب اسپانیا، از جمله "حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا" امکان آن را یافتند که فعالیت علنی خود را از سر بگیرند. از سوی دیگر "حزب کمونیست اسپانیا" بر اثر فشار راستگرایان افراطی تا بهار ۱۳۵۶ (آوریل ۱۹۷۶) "غیرقانونی" باقی ماند. فزون بر این، برای زندانیان سیاسی عفو عمومی اعلام شد.

در ۲۴ آوریل ۱۳۵۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۷۶)، اکثریت مردم، در همه بررسی پشتیبانی خود را از انتخابات جدید "کورتس" اعلام داشت. این انتخابات در تابستان ۱۳۵۶ (ژوئن ۱۹۷۷) صورت گرفت. برنده انتخابات "اتحاد مرکز دمکراتیک" (ا.و.ث.د.) بود، که گروه های سیاسی گوناگون را از صفوف بورژوازی در بر می گیرد. سوارز بار دیگر به نخست وزیر برگزیده شد. در ۱۵ آوریل ۱۳۵۷ (۱۶ دسامبر ۱۹۷۸) قانون اساسی، که از سوی "کورتس" تدوین گردیده بود، به تصویب اکثریت مردم رسید. این قانون اساسی در ۸ دی ۱۳۵۷ (۲۹ دسامبر ۱۹۷۸) قدرت اجرایی یافت.

### اوضاع سیاسی و اقتصادی

اسپانیا کشور صنعتی - کشاورزی نسبتاً پیشرفته ای است. پایه زندگی اقتصاد اسپانیا را صنایع سبک، معدنکاری، فولاد، شیمی، انرژی، ماشین و کشتی سازی و کشاورزی و توریسم تشکیل می دهند. سرمایه انحصاری خارجی، بویژه سرمایه های ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان، سبب شرایط مساعد سوداندوزی، که در اسپانیا حکم فرماست در اقتصاد این کشور نقش مهمی بعهده دارد. بحران سرمایه داری جهانی، از آغاز تاکنون اقتصاد اسپانیا درگیر دشواریهای فراوانی ساخته است.

رشد اقتصادی اسپانیا در سال میلادی ۱۹۸۰ تنها در حدود ۱٪ بود. بارستگین بحران اقتصادی اسپانیا بدوش رجمتکشان این کشور افتاده است. در سال ۱۹۸۰، نرخ تورم در اسپانیا نزدیک به ۱۵٪ بود و در آغاز سال

۱۹۸۱، ۱/۵ میلیون نفر اسپانیایی رسماً بیکار بودند. وضع رجمتکشان اسپانیا، به ویژه در مناطق عقب افتاده این کشور، مانند روستاهای جنوب اسپانیا، از این نیر اسف انگیز تر و بیگاری در آنجا از این نیز گسترده تر است.

### اوضاع کنونی

اوضاع سیاسی اسپانیا، حتی پس از تصویب قانون اساسی ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) و انتخابات ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ (۱۴ مارس ۱۹۷۹)، که به پیروزی "اتحادیه مرکز دمکراتیک" (ا.و.ث.د.) انجامید، همچنان متشنج و پرتضاد باقی ماند. نیروهای فاشیستی، بویژه در نیروهای مسلح و دستگاه دولتی، هنوز از مواضع کلیدی برخوردارند. فزون بر این، چند سازمان تروریستی افراطی راست به تبهکاری های خود ادامه می دهند. این نیروها، که تاکنون گام موثری برای سرکوب آنها برداشته نشده است، می گوشتنا زیر شعار "آرامش و نظم" دستاورد های دمکراتیک سالهای اخیر را ناسود و بار دیگر رژیم فاشیستی را مستقر سازند. نیروهای نامرده، در بسیاری موارد، خرابکاری های سازمان های تروریستی ملی گرا - چپ نما را بهانه دسیسه های خویش قرار می دهند. برای نمونه، در پاییز ۱۳۵۷ (نوامبر ۱۹۷۸)، گروهی از افسران کوشیدند تا، با کودتائی، رمام امور را به دست بگیرند. در همان دوران، محافل فاشیستی به تحریکات گسترده ای دست زدند.

وخامت اوضاع سیاسی اسپانیا بویژه در سال گذشته بالا گرفت. راستگرایان افراطی و گروهک های "چپ" توطئه های تحریک آمیز خود را گسترش بخشیدند. بحران اقتصادی تنش های اجتماعی را افزایش داد و دولت کوشید تا، بش از پیش، بارستگین دشواری های اقتصادی را بردوش رجمتکشان بگذارد. از این رو بود، که در میان محافل فرمانروا، ستیزه های سخت درباره "مشی آتی سیاسی و اقتصادی اسپانیا در گرفت. این اختلافات به ویژه در "ا.و.ث.د." ژرفش یافت، که هر چند در این میان، خود را "حزب" می خواند، ولی کماکان طیف وسیعی از جریانات فکری گوناگون را در بر می گیرد.

در ۹ بهمن ۱۳۵۹ (۲۹ ژانویه ۱۹۸۱)، سوارز از سمت نخست وزیری و ریاست "ا.و.ث.د." استعفا کرد. گفته می شود که استعفای سوارز بر اثر فشار راستگرایان افراطی، بویژه از سوی برخی محافل رهبری نظامی، بوده است.

فعالیت های این نیروها در دوران تشکیل دولت کالوسوتلو وسعت یافت و به کودتای نافرجام ۴ اسفند ۱۳۵۹ (۲۳ فوریه ۱۹۸۱) انجامید. در این کودتا بخش چشمگیری از رهبری نیروهای مسلح دست داشته است. یکی از سرکردگان کودتا، همام تخرو، منتسب به گاردیاسویل، در کودتای ناموفق پاییز ۱۳۵۷ (نوامبر ۱۹۷۸) نیز شرکت داشت. وی علیرغم نقشی که در آن توطئه بازی می کرد، همچنان در مقام خود باقی مانده بود. چنانکه نیروهای دمکراتیک اسپانیا یادآور می شوند، تا هنگامی که گام های کارآیی علیه محافل راستگرای افراطی برداشته نشود و نمایندگان آنان مواضع کلیدی را در دست داشته باشند، خطر کودتای فاشیستی در اسپانیا همچنان باقی خواهد ماند.

نیروهای انقلابی تعیض رواداریم. در برابر هجوم "جبهه متحد ضد انقلاب" بیش از هر زمان به "جبهه متحد خلق" انقلابی نیاز داریم.

کسانی که همچنان در مواضع انحصار طلبانه خود پامی فشارند و دیگر نیروهای انقلابی را دورنگه می دارند یا حتی طرد می کنند، فراموش نکنند که در برابر تاریخ، در برابر توده مستضعف، و در برابر انقلاب مسئولیت بزرگی را پذیرفته اند.

وطیفه همه نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از تفاوت های عقیدتی و مسلکی شان فشردن صفوف خویش در "جبهه متحد انقلاب" برای درهم کوفتن و تار و مار کردن "جبهه متحد ضد انقلاب" به سرکردگی آمریکا است.

هستیم "انقلاب سوم" توانسته است عناصر

وابسته سرمایه داری لیبرال را عمدتاً از صحنه سیاست کشور برود و بسیاری از گروهک های ضد-انقلابی نفاق افکن را افشا و سرکوب کند. در چنین فضائی، زمینه همیشگی و همیاری و همکاری نیروهای انقلاب بیش از هر زمان فراهم است.

باید فرصت را معتمت دانست و به هر قیمت از تکرار تجربه دردناک ۲۸ مرداد جلوگیری کرد. انقلاب، بویژه به علت تشدید خصلت ضد-امپریالیستی و مردمی آن، شرایط حساسی را

می گذراند. امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، از خارج و داخل مرزها انقلاب را آماج تیرهای زهر آگین خود کرده است. مبادا فراموش کنیم که با چه خطری روبرو هستیم. مبادا در سیح

سال "نیز خود را" مسلمان معتقد "جا زده بود تا سر بزنگاه هفتاد و هفت تن از یاران امام را به خاک و خون بکشاند.

امیران نظام ها، مدنی ها، نژیه ها، جواهریان ها، دستمالچی ها، همه "مسلمان" بودند و چه بسا که در ظاهر به پنداری تعصب هم نشان می دادند، اما انقلاب نبودند و هر کدام در مرحله ای از انقلاب دشمنی آشتی ناپذیر خود را با اهداف ضد امپریالیستی و مردمی آن آشکار کردند. در عوض، افراد، گروه ها، و سازمان های معینی که به انقلاب پیش از همه از جنبه اجتماعی می نگردند، با همه توشو توان و تاپای جان از انقلاب دفاع کرده اند و می کنند و خواهند کرد.

ما اکنون در مرحله پیشرفته تری از انقلاب

درواقع، بازمانده آثار بیست و پنج سال خفقان و شکنجه و ماتم ناشی از سلطه امپریالیسم و ارتجاع بر سینه ها سنگینی می کنند. جنبش ملی کردن صنعت نفت، با چنان گسترشی که بر اثر پشتیبانی عمومی مردم استعمار زده ایران بدان دست یافته بود، به سبب حدایی ها و دشمنی های که در صفوف نیروهای مبارز پدید آورده شد از پیشروی بازماند و در هم شکست و رژیم حنایتکار محمد زای طلوع سرپوشی برای سلطه غارتگرانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش گردید. امروز نیز عوامل تفرقه افکن در همان کارند، و با تکرار شیوه های که پیش از ۲۸ مرداد به کار می زدند، همان هدف را دنبال می کنند: به شکست کشاندن انقلاب.

آن روزها زبانهای درکار و قلم های در گردش بودند تا با گفتن و مکرر گفتن "خطر کمونیسم" با گفتن و مکرر گفتن "خطر نفوذ توده ای ها"، با نوسل به تغتین و شایعه سازی و برجسبزی، مانع از نزدیک شدن نیروهای ضد امپریالیست به یکدیگر شوند. امروز نیز قلم ها و زبانهای - اگر چه در دستها و دهانهای دیگر - هست که بهر هرافشانی مشغول اند و جوسالم همکاری و همسویی و اتحاد عملی نیروهای پشتیبان انقلاب را به سموم بد گمانی و پرهیز و طرد یکدیگر آلوده می سازند. چرا؟ آیا جز برای آن که میان سازمانهای مومن به انقلاب گسیختگی پدید آورند و خود را انقلاب را آسیب پذیر سازند؟

پس از پیروزی بهمن ۵۷، پرچم داران تفرقه و نفاق عبارت بودند از: اول، عوامل شناخته شده دشمن، یعنی وابستگان به طاغوت و تفاله های آمریکایی، مائوئیست ها، بازماندگان احزاب ایران نوین و رستخیز، دوم، عوامل ناشناخته امپریالیسم که بعد افشا و طرد شدند، مانند امیر انتظام، نژیبه، مدنی و دیگران، و سرانجام عناصر وابسته به سرمایه داران لیبرال که منافع طبقاتی - شان انقلاب را بسوی سازش با امپریالیسم آمریکا

می کشاند. اینان با همه توان خویش از تشکیل "جبهه متحد خلق" برای پاسداری و پیشبرد انقلاب معانعت می کردند، با تاسف باید افزود که قشریگری، و انحصار طلبی ناشی از آن، در بخشی از نیروهای صدیق انقلابی حاکم خواهان خواه زمینه مساعدی برای فعالیت نفاق افکنان آگاه و ناآگاه فراهم آورد و به آنان امکان داد که با تظاهر به دین - داری خود را در صفوف انقلاب جا بزنند و در راه اتحاد نیروهای مومن به انقلاب هر چه بتوانند کارشکنی کنند.

خوشبختانه سیر پیشرونده و عمیق یابنده انقلاب، بویژه در ماه های اخیر، بر عملکردها و دوستان دشمنان انقلاب بر روشنی هر چه بیشتری افکند ما ست و بنی صدرها، سلامتیان ها و غضنفر پورها را که مظفر بقایی ها و عبداله والاه و خلیل ملکی های زمان خویش ناند به همگان شناسا نده است، اگر پس از این همه تجارب زنده و ارزنده، هنوز کسانی معیار شناسایی دوستان دشمنان انقلاب را تظاهر به دینداری قرار دهند، باید به یاد شان آورد که بنی صدر هم "مسلمان" بود، اما هر روز بیشتر از خطا انقلاب فاصله گرفت تا آنجا که رود روی آن ایستاد و، پس از شکست، آشکارا به دامان امپریالیسم پناه برد، محمد رضا کلاهی "جانی



### وقایع مهم جهان در يك هفته

#### آمریکانه ضیاء الحق علیه ایران "آواکس" می دهد

به گزارش "دنشسال هراسد" روزنامه هندی نزدیک به محافل دولتی آمریکا و چین تصمیم گرفته اند تا در زمینه پروازهای اکتشافی به پاکستان کمک کنند.

طبق این گزارش، قرار است پاکستان نیز تا پایان سال جاری میلادی به هواپیماهای "آواکس" مجهز گردد. از این هواپیماها در مرزهای هند، افغانستان و ایران استفاده خواهد شد. از سوی دیگر، آمریکا در سیخ

نخست وزیر چین:

#### سیاست چین و آمریکا در منطقه جنوب خاوری آسیا

##### هماهنگ است

ژانوزی بیان، نخست وزیر چین، سفر قلیبین خود را پایان داد و وارد مالزی شد. وی در سفر خود به کشورهای جنوب خاوری آسیا در پی گسترش نفوذ چین در این منطقه و جلب کشورهای "آستان" به موضوعی ضد شوروی و ضد ویتنامی است.

ژانوزی بیان در کنفرانس مطبوعاتی در مانیل اعتراف کرد که سیاست آمریکا و چین در این منطقه هماهنگ است.

#### اتحاد شوروی پیشنهاد کرد که مسابقه تسلیحاتی

##### در کیهان منع شود

به مناسبت سی و ششمین سالگرد بمباران هیروشیما و ناکاراکی تظاهرات صلح در سراسر جهان برگزار شد. در مونیخ هزاران نفر در حالیکه مشعل هایی به دست داشتند، به یاد قربانیان این بمباران در خیابان های این شهر راه پیمایی کردند. درباریس نیز گرد همایی هایی با شرکت "راه پیمایان صلح ۸۱" برگزار شد. گروهی از آنان باروزهای ۲۲ ساعتی قربانیان هیروشیما و ناکاراکی را بزرگداشتند.

کنفرانس بین المللی، که برای منع جنگ افزارهای هسته ای چند روز پیش در توکیو آغاز بکار کرده بود، اجلاس خود را در ناکاراکی ادامه داد. نمایندگان ۳۲ کشور ۱۳ سازمان بین المللی در این کنفرانس شرکت دارند. در شهرهای گوناگون ایالات متحده نیز تظاهراتی علیه مسابقه تسلیحاتی برگزار شد. در نیویورک (کاناتیکت)

#### نیروهای سرکوبگر لندن در "آلستر" تقویت می شوند

در ایرلند شمالی، زندگی دیگری در اردوگاه کار اجباری "لانگ کش" در گذشت. نام او توماس مک کلوی است، که ۲۶ روز به اعتراض علیه سیاست بریتانیا در "آلستر" به اعتصاب غذا پرداخته بود. وی نهمین زندانی است که بدین منظور جان می سپرد. در مراسم سوگاری توماس مک کلوی دوشن در جریان درگیری با پلیس کشته شدند.

در پاریس تظاهرات وسیعی به اعتراض علیه سیاست جنایت بار دولت بریتانیا در "آلستر" برگزار گردید. تظاهرکنندگان نقض فاحش حقوق بشر را از سوی دولت تاجر محکوم کردند.

در این میان، اعلام شد که "لندن" نیروهای بیشتری برای سرکوب اقلیت کاتولیک به ایرلند شمالی اعزام خواهد داشت.

#### تاکون بیش از هزار تن در گامبیادستگیر شده اند

رئیس جمهور گامبیا وحدت نیروهای امنیتی کشور خود را نیروهای هم طراز در سنگال اعلام داشت. ناظران این گام را به منزله عدم اعتماد او به ارتش کشور خود ارزیابی کردند. نزدیک به دو هفته پیش کودتایی در گامبیا رخ داد و جوارا رئیس جمهور گامبیا، تنها بیاری

یاسر عرفات:

#### اسرائیل بار دیگر حمله گسترده ای را به لبنان تدارک می بیند

اسرائیل و جدایی طلبان لبنانی هواداران به نقض تشیسی ادامه میدهند. جدای طلبان حداد منطقه جنوب لبنان را زیر آتش گرفتند و کشتی های اسرائیلی حریم دریایی این کشور را نقض کردند و یک قایق ماهیگیری را به تصاحب خود در آوردند. تاکنون خبری از سر...

نشیان این قایق در دست نیست. از سوی دیگر، هواپیما های اسرائیلی به پروازهای اکتشافی بر فراز لبنان پرداختند و چندین بار دیوار صوتی را در بیروت شکستند.

یاسر عرفات "تل آویو" را متهم کرد که عملیات گسترده دیگری را علیه لبنان تدارک می بیند.

### احزاب، جمعیت ها و گروه ها

#### اعلامیه جمعیت ایرانی

##### هواداران صلح

روز پانزده مرداد - ششم اوت ۱۹۸۱ - دولت رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، دستور تولید به مقیاس عملیاتی و ذخیره سازی بمب نوترونی را صادر کرد. و این درست درسی و هشتمین سالگرد بمباران اتمی بندر هیروشیما بود، هنگامی که مردم ژاپن از یک سو و از سوی دیگر شرکت کنندگان اروپایی راه پیمایی صلح سال ۸۱ در پاریس به یاد یکصد و اند هزار قربانی فاجعه دوزخی هیروشیما و ناکاراکی گرد آمده بودند و بر ضد تجدید ارتکاب یک چنین جنایت ضد بشری هشدار می دادند و خواستار تحریم کلی سلاح های هسته ای و دیگر سلاح های کشتار جمعی بودند.

در انتخاب یک چنین روزی برای صدور دستور رسمی تولید سلاح نوترونی همان گستاخی مبارزه طبانه، همان قصد باجگیری سیاسی و همان پندار خام فرمانروایی بر جهان دخالت داشته است که سی و شش سال پیش، هنگامی که ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، بدون کمترین ضرورت جنگی و تنه به انگیزه بهره گیری سیاسی از انحصار موهوم تملک سلاح اتمی، دستور بمباران دوشهر ژاپنی را با این سلاح هولناک صادر کرد.

تصمیم دولت ریگان به تولید سلاح نوترونی - که اگر هم در خاک آمریکا ذخیره و انبار شود با محل کار - برد آن اروپای غربی است و چنان که وزیر جنگ ایالات متحده آمریکا گفته است به فاصله چند ساعت می توان آن را به اروپا منتقل کرد - جز تشدید و خامت اوضاع کلی جهان، تسریع مسابقه تسلیحاتی و افزایش دیوانه وار خطر جنگ نتیجه ای نخواهد داشت. ملت های سراسر جهان باید بیش از پیش بر خطر بزرگ و عاجلی که زندگی و تمدن

#### حجت الاسلام دکتر باهنر نخست وزیر

##### جمهوری اسلامی ایران

با نهایت احترام، خرسندی و امیدانتخاب شماره به مقام نخست وزیر ایران از صمیم قلب تبریک می گویم. برای ما روشن است که شما در این مقام مردم ایران را در راه تثبیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران راهنمایی و یاری خواهید کرد.

ما آرزو مندیم که شما در این امر خطیر به انجام وظایف دشوار و بزرگی که در پیش دارید موفق شوید. راست است که ما سازمانی کوچک هستیم و قطره ای هستیم در میان دریای پر خروش خلق ایران اما با

بشر را تهدید می کند چشم بکشایند. دعوی آن که کاربرد سلاح های هسته - ای و نوترونی می تواند در سطح محدودی نگهداشته شود یا آن که سلاح نوترونی تنها کسانی را که در شعاع کمی از محل اصابت بمب هستند می کشد و به ساختمان ها و دیگر ثروت های مادی آسیب نمی رساند دروغ رذیله های

است برای خواب کردن وجدان توده ها و از کار انداختن سلاح افکار عمومی. جنگ هسته ای در هیچ حال نمی تواند محدود باشد و عواقب وحشتناک تشعشعات اتمی هیچ کس و هیچ محلی را ایمن باقی نمی گذارد. به همین سبب مخالفت و اعتراض سازمان یافته به مقاصد جنایت بار دیوانگانی که برای ادامه سلطه غارتگرانه سرمایه انحصاری جهان راه جنگ فحیح هسته ای تهدید می کنند وظیفه مبرم زمان ماست. هم اکنون در پایتخت ها و شهرهای اروپا و آسیا، و حتی در خود ایالات متحد آمریکا، اجتماعات بزرگ راه پیمایی - های اعتراض به تولید سلاح های کشتار جمعی - و از آن جمله بمب نوترونی - توده های مردمی را که جز زندگی و کار

### بلند پروازی فزاینده جناح "همبستگی"

#### برای کسب قدرت سیاسی در لهستان

روزنامه "تریبونالودو" از اقدامات مسئولیت - شناسانه عناصر افراطی "همبستگی" به انتقاد پرداخت. این روزنامه اقدامات نامبرده را "تعرضی علیه "حزب متحد کارگری لهستان و دولت" خواند.

تریبونالودو" در این زمینه از تظاهرات خیابانی و اعتصابات نام می - برد، که با کارزار تبلیغاتی دشمنان سوسیالیسم هماهنگ شده است و از "بلند پروازی فزاینده جناح افراطی "همبستگی" برای دستیابی به قدرت سیاسی" سخن میگوید.

په نوشته تریبونالودو" دشمنان لهستان سوسیالیستی در روند اضمحلال دولت و بی ثباتی زندگی سیاسی شانسی برای تضعیف جامعه کشورهای سوسیالیستی می بینند." ژنرال یاروزلسکی، نخست وزیر و وزیر دفاع لهستان، در ورشو مارشال کولیکوف، فرمانده کل نیروهای مسلح پیمان ورشو، رانزد خود پذیرفت. آنها درباره فعالیت های کنونی نیروهای مشتکرک و آمادگی رزمی ارتش لهستان به مذاکره نشستند.

از سوی دیگر، اتحادیه کارگران ساختمانی لهستان، که نیم میلیون عضو دارد، تگرانی خود را از عمیق تر شدن بحران کنونی آن کشور ابراز داشت. بیانیه این اتحادیه خواستار مقابله با تبلیغات خصمانه و سوء استفاده از طبقه کارگر برای بازی های شوم سیاسی گردید.

راه پیمایی ها، اعتصابات و تظاهرات اخیر نشان داد ه اند، که جناح افراطی "همبستگی" در پی افزایش تشنج و رویارویی با "حزب متحد کارگری لهستان و دولت یاروزلسکی است. بر

#### تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

نهایت فروتنی همه امکانات خود را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران و شخص شما آقای نخست وزیر گذاشته و اعلام میداریم هر وظیفه ای که در راه تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به ما رجوع شود با شوق و علاقه فراوان و با نهایت توان خود انجام خواهیم داد.

امیدواریم که این تقاضای ما مورد قبول واقع شود. با امید قاطع به پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران  
۱۳۶۰/۵/۲۰

صلح آمیز، آرزویی ندارند به حرکت در آورده است.

مردم انقلابی مبین مانیز، به موازات تلاش قهرمانانه شان در رویا - رویی با توطئه های شیطان بزرگ، سرکوب ضد انقلاب داخلی و تفاله های وابسته به امپریالیسم، و جنگ با رژیم تجاوزگر صدام، لازم است که در مبارزه عمومی توده های سراسر کشور هابرای او - پس زدن خطر جنگ، منع تولید بمب نوترونی، جلوگیری از استقرار موشک - های میان برد پرشینگ و کروردر اروپا، خودداری از تاسیس پایگاه های نظامی و انباشت سلاح ها، دفع حضور ناوگان آمریکا و متحدانش در خلیج فارس و اقیانوس هند، بازگشت به سیاست تشنج زدایی و حل مسائل مورد اختلاف از راه مذاکره شرکت جویند جمعیت ایرانی هواداران صلح امیدوار است که دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماتیک و مراجه به سازمان های ذی صلاح بین المللی اقدامات شایسته ای در این زمینه به عمل آورد.

جمعیت ایرانی هواداران صلح تهران - ۲۲ مرداد ۱۳۶۰

#### آیزنهاور لومومبارا کشت

به گزارش خبرنگار "دیلی تلگراف" (بریتانیا) در نیویورک، پسرزیدنت آیزنهاور بیست سال پیش شخصاً دستور قتل لومومبا مبین دوست بزرگ کنگو، را صادر کرد. این خبرنگار در این باره به کتابی استناد می نماید، که قرار است بزودی در ایالات متحد ه انتشار یابد.

#### تظاهرات مردم زلاندنو

#### علیه تیم "زگی" نژاد پرستان

##### "پرتوریا"

در سراسر زلاندنو، تظاهرات اعتراض آمیزی علیه تیم راگبی "اسپرینگ باکس" که تنها سفید پوستان آفریقای جنوبی را در برمی گیرد، برگزار شد. این تظاهرات، از جمله، در ولینگتن و اوکلند صورت گرفت. تظاهرکنندگان سیاست آپارتید وستم سبانه دولت آفریقای جنوبی را محکوم کردند و از دولت زلاندنو خواستند تا همه گونه مناسبات، از جمله مناسبات ورزشی، را با آفریقای جنوبی قطع کند.

#### اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ا.به آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی - ۳۱۴/۱۱۱۷